

ماہنامہ

فصلنامہ علمی، ادبی، سیاسی و فرهنگی
مدرسہ علمیہ نور الزمراء (پشاور)
شمارہ ۵۱ - بہار ۱۴۰۱ھ

ماہنامہ نور الزمراء العلمیہ





يا حي يا قيوم الله أكبر
الله أكبر الله أكبر

بسم الله الرحمن الرحيم



دلنگ حرم / ۱۳
سلام حضرت دوست / ۲۷



حکایت / ۴۳
جدول / ۴۴



گزارش پژوهش / ۳۸
معرفی کتاب / ۴۰
چگونه لذت از مطالعه را تجربه کنیم؟ / ۴۲



مدیر مسئول: زهرا سادات حسینی

سر دبیر: منیره روستا

طراح نشریه: زهره سادات حسینی

طراح جلد: زهره سادات حسینی

هیأت تحریریه: امینیان، حسینی، کرمی، مرادی،

حسین آبادی، دوست محمدی، اکبری.

مدرسه علمیه نورالزهراء سلام الله علیها

آدرس: تهران، میدان رسالت، خیابان مظفری نیا (سراج)،

کوچه شهید بهرام ممنونی

تلفن: ۷۷۰۷۳۵۶۱

ماه مبارک رمضان در کلام امام خمینی رحمت
الله علیه / ۳

آداب طلاب / ۴

عزت نفس در کودکان / ۶

راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازهای جامعه

معاصر با تأکید بر نظریات شهید مطهری / ۸

گلبرگی از کرامات حضرت معصومه علیها السلام / ۱۲

شهید مرتضی آوینی در کلام طالب زاده / ۱۶

نشانه های موعود منجی در اناجیل / ۱۸

مروری بر زندگی شهید طهرانی مقدم / ۲۰

حقوق اهل بیت علیه السلام در صحیفه سجادیه

جامعه / ۲۲

پاسخ به شبهات / ۲۸

با آل علی هر که درافتاد، ورافتاد / ۲۹

مصاحبه / ۳۰

اخبار فرهنگی / ۳۴

گزارش نشست صمیمی طلاب و خانواده هایشان

/ ۳۷



گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب در
سالگرد رحلت بنیانگذار کبیر اسلام / ۱۴

سر مقاله

با سپاس از خدای بی همتا که سبب شد پنجاه و یکمین نشریه نورالزهرا سلام الله علیها با تلاش عزیزان در اختیار ما قرار گیرد.
خدا را شاکریم که با مدد او توانستیم مطالب علمی، فرهنگی، پژوهشی، ادبی و مطالب سرگرم کننده را در اختیار شما عزیزان قرار دهیم.
این شماره از نشریه مانند شماره های پیشین با مطالبی از اساتید، همکاران و طلاب عزیز مزین شده؛ امید است مورد قبول خداوند و مفید برای شما خواننده عزیز باشد.
فصل بهار هر سال هر چند شادابی و حیات مجدد طبیعت را در بردارد ولی در ایران اسلامی ما با آتش افروزی ها و دشمنی های بسیاری همراه بوده است. و این به سبب وجود ماه خرداد در این فصل است. در ماه خرداد منافقین کوردل ضربات سختی را متحمل شدند و همین امر سبب این آتش افروزی ها جهت انتقام می باشد. امسال نیز شاهد بودیم که با تعدادی از سلبریتی ها و تفاله رژیم پهلوی همصدا شدند و خواهان بر زمین گذاشتن سلاح نیروهای مسلح شدند که این خود نشان از خیانت و وطن فروشی آنان بود که بحمدالله مفتضح و رسوا شدند. اینان میدانند که شروع انقلاب از خرداد بوده و سعی در انحراف اذهان دارند. همانطور که امام رحمت الله علیه فرمودند انتظار فرج از نیمه خرداد کشم. ان شاءالله شاهد ظهور حضرت ولیعصر ارواحنا له الفداء باشیم و در رکاب ایشان خدمت کنیم. ان شاءالله

ماه مبارک رمضان در کلام امام خمینی (رحمت الله علیه)



آمد رمضان و آسمان آبی شد شب‌های زمین، دوباره مهتابی شد هستی
به نماز عاشقی قامت بست عالم، غزل خجسته نابی شد

ماه مبارک رمضان ماه عبادت است.

ماه مبارک رمضان، ماه اجتماع است، ماه وحدت است، ماه خداست.

شما در این ماه شریف به ضیافت حق تعالی دعوت شده‌اید (دعیتم فیه الی ضیافه الله) خود را برای مهمانی با شکوه حضرت حق آماده سازید.

در این ماه شریف که به مهمانسرای الهی دعوت شده‌اید اگر به حق تعالی معرفت پیدا نکردید یا معرفت شما زیاده‌تر نشده، بدانید در ضیافت الله درست وارد نشده‌اید و حق ضیافت را بجا نیاورده‌اید.

امام با رؤیت هلال ماه مبارک، تغییراتی در برنامه زندگی خود می‌دادند، از جمله دیدارهای عمومی را تعطیل می‌کردند تا بیش تر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسند. امام می‌فرمودند: "خود ماه رمضان کاری است!"

امام در ماه رمضان شعر نمی‌سرودند و نمی‌خواندند و گوش نمی‌دادند. سراسر ماه را به انجام مستحبات مربوط به ماه سپری می‌کردند. در ماه رمضان از شب تا صبح عبادت، نماز و دعا به جامی آوردند. بعد از نماز آماده بودند. همچنین چند روز قبل از ماه مبارک رمضان دستور قرائت شود. در ماه مبارک، در هر زمان کسی به نزد ایشان می‌رفت، حضور داشتند و آیاتی قرائت می‌شد، به جای نشستن روی جزء قرآن عادت روزانه شان بود، ولی در ماه مبارک ماه ده بار قرآن را ختم می‌کردند.

سمیه اکبری



آداب طلاب

صفات خوب (قسمت دوم)

۴. کتمان معایب دیگران

مومن باید کتوم و صبور و تودار باشد. یعنی نسبت به لغزشهای دیگران کتوم و آنها را مخفی کند، زیرا خداوند با وجود آگاهی بر آنها، ستار العیوب بوده است و او هم مانند خداوند باید متخلق به اخلاق الهی باشد و متخلق به اخلاق الهی، به این معنا نیست که آدمی فقط نماز بخواند و روزه بگیرد زیرا خداوند نه نماز می خواند و نه روزه می گیرد، بلکه باید صفات خداوندی را مانند عفو و گذشت، احسان و بخشش شجاعت و شهامت، فرو بردن خشم و غضب و غیره را در خود پیروانند، پیامبر اسلام (ص) درباره پوشاندن معایب و زشتیهای دیگران می فرماید: مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ فَاحِشَةً فَكَأَنَّمَا أَحْيَا مُوْؤَدَةً. هر کس زشت کاری مؤمنی را بپوشاند، چنان است که دختر زنده به گور شده ای را نجات دهد.

همچنین از آن حضرت است که فرمودند: كَانَ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامٌ لَهُمْ عُيُوبٌ فَسَكَتُوا عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ، فَأَسَكَتَ اللَّهُ عَنْ عُيُوبِهِمُ النَّاسَ، فَمَا تَوُا وَلَا عُيُوبٌ لَهُمْ عِنْدَ النَّاسِ، وَكَانَ بِالْمَدِينَةِ أَقْوَامٌ لَا عُيُوبَ لَهُمْ فَتَكَلَّمُوا فِي عُيُوبِ النَّاسِ، فَأَظْهَرَ اللَّهُ لَهُمْ عُيُوبًا لَمْ يَزَالُوا يُعْرِفُونَ بِهَا إِلَى أَنْ مَاتُوا. در مدینه مردمانی بودند که عیب هایی داشتند اما زبان از عیب جویی مردم فرو بستند پس خداوند زبان مردم را از عیب جویی آنان فرو بست، در نتیجه، آن عده مردند و مردم از عیب های آنان آگاه نشدند، در همین شهر مردمانی هم بودند که عیبی نداشتند، اما درباره عیب های مردم سخن می گفتند پس خداوند در آنان عیب هایی آشکار کرد که تا وقتی مردند به آن عیب ها شناخته می شدند.

لذا از امام باقر نقل شده که فرمودند: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتَرَّ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً. مؤمن در برابر مؤمن وظیفه دارد که هفتاد گناه بزرگ او را بپوشاند در این امیر مؤمنان علی (ع) می فرمایند: مَنْ سَاتَرَكَ عَيْبٌ وَ عَابَكَ فِي غَيْبِكَ فَهُوَ الْعَدُوُّ؛ فَاحْذَرُهُ. هر کس عیب تو را از تو مخفی سازد و پشت سرت عیب گوئی کند، او دشمن توست پس از او بر حذر باش. پیامبر اسلام (ص) درباره جستجو از عیبهای مؤمنین می فرمایند: لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ؛ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ، وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ فَضَحَهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ. عیب های مؤمنان را جستجو نکنید، زیرا هر کس دنبال عیبهای مؤمنان بگردد خداوند عیبهای او را دنبال خواهد کرد و هر کس خداوند عیوبش را دنبال کند او را رسوا سازد گرچه در درون خانه اش باشد.

و همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمودند: كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: يَعْرِفُ مِنَ النَّاسِ مَا يَجْهَلُ مِنْ نَفْسِهِ، وَ يَسْتَحْيِي لَهُمْ مِمَّا هُوَ فِيهِ، وَ يُؤْذِي جَلِيسَهُ بِمَا لَا يَحِلُّ بِهِ. آدمی را همین عیب بس که در او سه خصلت باشد. ۱. عیبهای مردم را ببیند و عیب های خودش را نبیند. ۲. چیزی را که خودش دچار آن است برای مردم شرم آور بداند. ۳. و همشین خود را با گفتار و کردار بیهوده بیازارد.

لذا در روایات آمده است که علاوه بر اینکه عیب های مردم را نباید بازگو کنید بلکه باید آنها را پوشانید و حتی اگر از کسی عیبی و یا لغزشی دیدید نباید اظهار خوشحالی کنید گرچه آن شخص با تو رفتار خوبی نداشته است در این زمینه امیر مؤمنان علی (ع) می فرمایند: لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقْطَةِ غَيْرِكَ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الزَّمَانُ. از به زمین خوردن دیگران خوشحال مشو، زیرا تو نمی دانی که روزگار با تو چه خواهد کرد.

حتی از بعضی از روایات استفاده می شود که اگر در حضور شما از کسی بدگوئی کردند و شما قادر به دفاع بودید، باید در مقام دفاع از آبروی برادر مؤمن خود برآئید و اگر شرائط فراهم نبود، به دنبال خوبی های آن شخص بگرد و آن را پیدا کن و بازگو نما، مانند جریان حضرت عیسی لال و حواریون آن حضرت که، نقل شده: رُويَ أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ وَالْحَوَارِيُّونَ عَلَى جِيفَةِ كَلْبٍ، فَقَالَ الْحَوَارِيُّونَ: مَا أَتَنَ رِيحَ هَذَا الْكَلْبِ! فَقَالَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَشَدَّ بَيَاضَ أَسْنَانِهِ. روایت شده است که، عیدی با حواریان بر لاشه ی، سگی گذشتند، حواریان گفتند، چه بوی متعفن می دهد این سگ، حضرت عیسی (ع) فرمودند: عجب دندان های سفیدی دارد.

این روایت نشان می دهد که حضرت عیسی (ع) به دنبال صفت خوبی گشته، تا اینکه، از حیوانی مرده که بوی بدی از او به مشام می رسد و لاشه ی آن هیچ نفعی ندارد و حتی آن حیوان زنده هم که بود از جمله حیوانات نجس العین بود و به قول سعدی:

سگ را به دریای هفت گانه شوی
چو تر شد پلید تر باشد

با این وجود یک صفت و یک چیزی را پیدا کرد و آن دندان سگ بود و فرمودند: چه دندانهای سفیدی دارد؟ در حالی که انسانها هر چه هم بد باشند، لااقل بیش از یک دندان سگ خوبی دارند.



اما آنچه را که عیبا را می پوشاند، دو چیز است و آنچه را که آنها را ظاهر میکند باز هم دو چیز است، در حدیثی از پیامبر اسلام است که فرمودند:

اَلْعِلْمُ وَالْاَمَالُ، يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَالْجَهْلُ وَالْفَقْرُ، يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ. علم و دارایی، هر عیبی را می پوشانند، و جهل و تهیدستی، هر عیبی را آشکار می سازند.

مرحوم ملا احمد نراقی در معراج السعاده می گوید: در احادیث وارد شده است که روز قیامت، بنده ای را بیاورند که گریان باشد، خطاب رسد که چرا گریه می کنی؟ عرض کند گریه می کنم بر آنچه در این روز از عیوب من، در نزد انسانها و فرشته ها ظاهر شود.

خداوند عالم می فرماید: ای بنده من، تو را در دنیا رسوا نکردم، در حالی که مشغول معصیت من بودی و میخندیدی، چگونه امروز تو را رسوا کنم، در حالی که معصیت نمیکنی و گریانی، و روایت شده است که فردای محشر حضرت رسول اکرمی: از داور اکبر مسألت می نماید که محاسبه امت او را در حضور فرشتگان و پیامبران و سایر امتهان کند، تا اینکه مبدا عیب آنها ظاهر گردد، بلکه به حساب آنها چنان برس که کسی جز تو و من، بر آن مطلع نگردد

خطاب الهی رسد که ای حبیبم، من به بندگانم از تو مهربانترم، همانطور که تو روا نمی داری که عیوب آنها نزد کسی غیر از تو ظاهر شود، من هم روا نمی دارم که عیوب آنها بر می گردد که مبدا در نزد تو شرمسار و خجالت زده شوند (به خاطر تو) به تنهایی به محاسبه ی آنها می پردازم به طوری که به جز من احدی بر عیوب آنها مطلع نشود.

پس هرگاه عنایت پروردگار، در پوشانیدن عیوب بندگان تا به این حد است، پس ای مسکین غافل، وای مبتلا به انواع عیوب و رذایل، تو را چه شده است که پرده از عیوب بندگان خدا بر میداری، و سعی در فاش کردن بدیهای آنها داری و زبان خود را به مذمت آنها می گشایی، در حالی که از عیوب خود غافل.

پس ساعتی در حال خود تامل کن که اگر کسی عیبی را از تو در نزد دیگران فاش کند، حال تو چگونه خواهد بود، حال دیگران هم به خود قیاس کن و بدان که از اخبار و آثار روشن است و از تجربه و عیان ثابت و معین است که هر که دیگری را رسوا کند، خود نیز رسوا می گردد، و هر کس عیب کسی را ظاهر کند، عیب او فاش می گردد، پس بر خود رحم کن و اقتداء به پروردگار خود نما، و پرده بر عیوب بندگان افکن، و چشم خود را از عیوب مردم کور، و گوش خود را کر، و زبان خود را از گفتن لال ساز.

حضرت رسول اکرم ا فرمودند: لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

هیچ بندهای عیب بنده دیگری را نپوشاند مگر این که خداوند در قیامت عیب او را بپوشاند. در فضیلت و شرافت پرده پوشی همین بس است که یکی از اوصاف خدای سبحان است، و از شدت اعتنای الهی در پوشیدن بدیها و زشتی ها این است که ثبوت بدترین فواحش را که زنا باشد به نحوی مقرر فرمود که بسیار کم اتفاق می افتد که ثابت شود، یعنی مشاهده چهار عادل چون میل در سرمه دان، پس معلوم گشت که خدای متعال چگونه بر امرکناهکاران بندگان خود در دنیا پرده افکنده و راه کشف آن را سخت و دشوار کرده است.

از جمله موارد عیوب، افشاء راز است، و راز گاهی از عیوب است و گاهی عیب نیست ولی آن موجب اذواء و اهانت به حق دوستان یا دیگر مسلمانان است، و اگر منشا آن عداوت از ردائل قوه غضب است، و اگر سرچشمه آن سود مالی باشد از رذائل قوه شهوت به شمار می رود، و یا ممکن است صرفا ناشی از خباثت نفس باشد. رسول خدا (ص) فرمودند: هرگاه کسی با شما سخن گفت و نگران بود (یعنی به چپ و راست نگاه می کرد بدانید که) گفتار او امانت است.

و در روایت است که از جمله خیانت این است که راز برادر خود را فاش کنی، عبدالله بن دستان به حضرت امام صادق عرض کرد: گفته شده است که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است (آیا چنین است)؟

حضرت فرمودند: آری، گفت مراد عورتین اوست؟ فرمودند: نه، چنین نیست، بلکه فاش کردن سر اوست»



عزت نفس در کودکان



دوران کودکی دورانی است که ما به بچه هایمان یاد می دهیم که چگونه عزت را انتخاب کنند نه ذلت را و حاصل این کار عزت نفس است. در زمینه ی عزت نفس بسیار کتاب داریم اما این کتاب ها عزت نفس ایجاد نمی کنند این کتاب ها روش را به ما نشان می دهند و این خود ما هستیم که باید عمیقاً روی عزت نفس کار کنیم و آن را به دست آوریم. ما در یادگیری با دو مسئله مواجه هستیم: ۱. باید برویم و تحقیق کنیم و وقت بگذاریم و به دست آوریم ۲. نه تحقیق کنیم و وقت نگذاریم و فقط تقلید کنیم و کلید بگیریم. برای به دست آوردن عزت نفس باید به آن برسیم، ایمان آوریم و به آن معتقد شویم بعد روش های به دست آوردن اعتماد به نفس را می توانیم در حیطه ی اهمیت و مهارت به دست آوریم باورها در سه حیطه ی بالای ساختار هستند. در کل نظام باورها از حیطه ی اهمیت به بالا است و عزت نفس هم در باورهای ما است. ما اصلاً باور نداریم که عزت نفس داریم. چه قدر عبارت من پدبخت هستم را می گوئیم؟ چه قدر بارها و بارها خودمان را در بن بست دیده ایم؟ چه قدر دچار این حالت شده ایم که اصلاً چرا من بدنیا آمده ام؟ من به چه دردی می خورم؟ و هیچ وقت نتوانستیم به این شکل نگاه کنیم که من بدنیا آمده ام چون مأموریت دارم. می توانم مأموریتم را نبینم و اجرا نکنم و سقوط کنم به مراحل پایین ساختار و مخروط؛ و می توانم مأموریتم را ببینم و بالا بروم به سمت اصل و عزت نفس عزت نفس یعنی من وظیفه ای دارم، من انتخاب شده ام، آمده ام و کاری باید انجام بدهم؛ می توانم انجام ندهم موضوع اعتماد به نفس در حوزه ی مهارت ها است و توانایی ها را می شناسد. خودپنداره ی واقعی، اعتماد به نفس واقعی می آورد. اعتماد به نفس واقعی یعنی دیدن توانایی ها و تقویت حیطه اهمیت (مهارت ها). اعتماد به این که من می توانم یاد بگیرم اعتماد به نفس و عزت نفس مربوط به وجود است، توانایی است. کار را بلد هستم یا نیستم؛ می توانم یاد بگیریم. بنابراین کسی که اعتماد به نفس دارد قدرت این را دارد که کار را از وجود خودش جدا کند یعنی اگر مرتکب اشتباهی شد وجود و شخصیت خودش را زیر سوال نبرد با درک مسئول مسئله را بررسی کند بها پرداخت کند و جبران کند یا اگر کاری را بلد نیست باز وجود خودش را زیر سوال نبرد مثلاً خودش را بی عرضه یا ناتوان تلقی نکند بلکه زمان بگذارد و به دنبال یادگیری آن پرودبچه ها کاملاً به صورت فطری این قدرت را دارند که کار را از وجود جدا کنند. بچه ها دید عمیقی دارند در صورتی که بزرگترها دید سطحی دارند کسی که اعتماد به نفس واقعی دارد کاملاً کار را جدا از وجود می بیند، قدرت نقدپذیری دارد و می تواند خودش را نقد و تأیید کند؛ یک لیوان شکستم، آخ آخ حواسم نبود؛ خودش را سرزنش نمی کند، مهارت کم بود افتاد شکست. تمرین می کنم تا این مهارت را به دست آورم وقتی کودک کارش را توصیف می کند اعتماد به نفس واقعی دارد که سازنده است و در امتداد عزت نفس است یعنی من توانا هستم، می توانم، یاد می گیرم، قدرت اجرایی دارم و احساس ارزشمند بودن می کنم. اعتماد به نفس احساس رضایتمندی می آورد و عزت نفس احساس ارزشمند می آورد حالت دیگر اعتماد به نفس، اعتماد به نفس واقعی مخرب است. که در امتداد عزت نفس نیست. این شخص اعتماد به نفس دارد، خودش هم قبول دارد ولی عزت نفس ندارد. مجرمین جزو این دسته هستند. که چه قدر راحت دست به جرم و جنایت می زنند. چه قدر راحت از دیوار مردم بالا می روند و اگر جلویشان را بگیرد می گویند که داریم اثاث کشی می کنیم. یا کلاهبردارها چه قدر محکم و مقتدر و با اعتماد به نفس کامل نقشه می کشند و اجرا می کنند ولی در درونشان عزت نفس ندارند اعتماد به نفس بدون عزت نفس خیلی خیلی خطرناک است. یکی از تفاوت های اصلی روش های تربیتی سنتی اصیل با روش های مدرن در این است که در روش های سنتی اصیل توانایی و بلد بودن را به همه کس نمی دادند مگر این که مطمئن باشند که عزت نفس دارد. بسیاری از علوم امروز که به عنوان علوم تجربی آفت جان بشر شده، گلشن راز شبستری که کتاب خیلی کوچکی است ولی یک دنیا جامعه شناسی و روش شناسی و غیره در آن هست. این علما می دانستند که علم را باید به دست اهلس سپرد. یعنی اعتماد به نفس را به کسی می خواستند بدهند که عزت نفس داشته باشد و اگر پیدا نمی کردند، نمی دادند حتی به بچه های خودشان و آن علم هم از دست می رفت. چون در فرهنگ سنتی ما عزت نفس شناخته شده و مهم بود اما در عصر حاضر می بینیم که به کمک علم و توسط علم چه فجایعی اتفاق می افتد. این فجایع به دست دانشمندانی است که عزت نفس ندارند و فقط اعتماد به نفس و استعداد دارند و یادگیری بالایی دارند اما عزت نفس ندارند که آموخته هایشان را هدایت و کنترل کنند. علامه طباطبایی محفلی داشتند به نام اصحاب چهارشنبه و روزهای چهارشنبه بعد از ظهر در اتاقی جمع

می شدند و خدمتکارشان را توی کوچه زیرپنجره می گذاشتند که کسی گوش نایستد و آن چه که می دانستند فقط به چند نفر منتقل می کردند و هیچ زمان دانسته هایشان را عمومی نکردند این تفاوت سنت شرق با سنت غرب است. در غرب همه چیز را آشکار می کنند و در اختیار همه قرار می دهند؛ ما هم از این وضعیت طرفداری می کنیم و اسمش را گسترش علم و دانایی می گذاریم و اصلاً عزت نفس و تزکیه نفس را نمی بینیم. نص صریح قرآن است که می فرمایند: «و یُزَکِّهِمْ و یَعْلَمُهُم الْکِتَابُ وَ الْحِکْمَةُ» اگر تزکیه نشویم کتاب و حکمت نباید یاد بگیریم و گر نه هم به خودمان آسیب می زنیم هم به دیگران آسیب خواهیم زد. کسی که اعتماد به نفس سازنده ی واقعی دارد خودش را نقد می کند، درک مسئول دارد و چون نقدپذیر است تعامل اجتماعی خوبی دارد که ما به این افراد می گوییم رشد اجتماعی خوبی دارند و در تعامل با انسان ها هستند چرا ما این قدر از آدم های دیگر می رنجیم و دلخور می شویم؟ یکی از مشکلات ما در ارتباطات بین فردی همین مورد است؟ از هم می رنجیم چون از نقد خوشمان نمی آید، از اتفاقات تفسیر می کنیم؛ ما دوست داریم عیب ها را ببینیم و به روی طرف بیاوریم، دیگران هم دوست ندارند که عیب هایشان را بگوئیم و به رویشان بیاوریم. ولی کسی که اعتماد به نفس واقعی دارد با این مسئله مشکلی ندارد چون خودش پیشاپیش نقد می کند و تفکیک کار از وجود را کاملاً می شناسد، درک مسئول دارد و سپاسگزار و شاد است حالت دیگر اعتماد به نفس، اعتماد به نفس غیرواقعی است. ظاهر این شخص نشان می دهد که خیلی اعتماد به نفس دارد یعنی اعتماد به نفس سطحی که عمق ندارد و غیرواقعی است و همان خودپنداره ی کاذب است. متأسفانه بچه هایمان را به سمت این اعتماد به نفس داریم سوق می دهیم. این افراد دو دسته اند: یک دسته خودپنداره ی کاذب مثبت دارند و دسته ی دیگر خودپنداره ی کاذب منفی دارند. نتیجه ی خودپنداره کاذب مثبت، خودشیفتگی است و نتیجه ی خودپنداره کاذب منفی، احساس حقارت است. در عمل هر دو دسته رفتاری مشابه رفتار فردی با اعتماد به نفس واقعی از خودشان نشان می دهند. خودشیفته ها متکبر هستند، درک مظلوم از خود دارند، کسی را قبول ندارند؛ این مسئله در بچه ها در حال افزایش است. بچه ها وقتی کنار هم قرار می گیرند طبق قانون هستی اصلاً خودشان را نمی بینند و با هم قاطی می شوند، برایشان مهم نیست که این ها کی هستند. اگر در جمع بچه ها، بچه ای خودش را کنار می کشد دچار حالت خودشیفتگی است و در این کودک تکبر شکل گرفته؛ در حالی که یکی از اصول زندگی، فروتنی است خودپنداره های کاذب منفی، احساس گناه دارند و درک مقصر از خود دارند. هر دو حالت چه منفی و چه مثبت ادعای انجام کار دارند و نه نمی گویند. خودشیفته ها فکر می کنند که بلدند، بحث توانستن نیست بلکه بحث بلد بودن است خودشیفته ها ادعا دارند که «من بلدم!». منفی ها احساس گناه دارند و می خواهند جلب رضایت دیگران به خصوص والدینشان را بکنند و از دیگران دائم شکایت دارند. آدم هایی که اعتماد به نفس پایین دارند و خودشان را کوچک می بینند اتفاقاً کارهای خیلی بزرگی می کنند، ریسک های وحشتناکی می کنند؛ بسیاری از کسانی که در ریسک ها نابود می شوند این افراد هستند چون می خواهند به خصوص به پدر و مادر و نزدیکان ثابت کنند که بلدم و می توانم. برای اثبات «من می توانم» همه کاری می کنند، گاهی هم خیلی موفق می شوند و جلو می روند ولی یک جایی وسط کار زمین می خورند این حالت در کسی که ترس دارد هم صادق است. چون روی دیگر سکه ی ترس، تهور است. تهور شجاعت نیست، ترس است و ترس وقتی از یک حدی بالا می رود تبدیل به تهور می شود. خودشیفته ها یا خودپنداره کاذب مثبت دائماً از دیگران شکایت دارند و درکشان از خودشان این است که من بلدم، می توانم، ولی نمیذارن "مادرم، پدرم، همسرم و...." دائم مانع جلوی راه من هست برای همین من نمیتونم؛ درک مظلوم همیشه شکایت می کند همه ی این مسائل یک طیف هستند و میشه که مطلق از هر دو حالت نباشد. خودپنداره های کاذب مثبت همیشه طلبکارند و خودپنداره های کاذب منفی همیشه بدهکارند بچه ها با اعتماد به نفس واقعی بزرگ شوند نه با اعتماد به نفس غیرواقعی و کاذب چه از نوع مثبت و چه از نوع منفی، چون هر دو حالت به یکجا می رسند و قربانی ایجاد می کنند. افرادی که اعتماد به نفس کاذب دارند هیچ وقت به احساس رضایت و رضایتمندی نمی رسند چون رضایتمندی را از حوزه ی عزت نفس و اصل و اصول نمی خواهند بلکه از حوزه ی اهمیت ها و مهارت ها می خواهند به دست آورند. در صورتی که اهمیت حوزه ی موفقیت است و موفقیت هیچ وقت به ما عزت نفس نمی دهد امکان ندارد.

حمیده دوست محمّدی

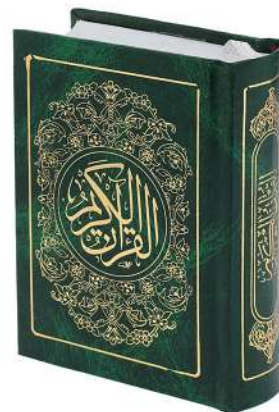




راهکارهای پاسخگویی قرآن

به نیازهای جامعه معاصر با تأکید بر نظریات

شهید مطهری



چکیده

با توجه به پیشرفت‌ها و تغییرات متعدد امروز، نیازهای جامعه معاصر نیز دگرگون شده است. اسلام یک دین پویاست و به مکلف اجازه داده که با توجه به نیازهای زمان، برخی احکام تغییر یابد و برای این امر راهکارهایی را ارائه داده است. شهید مطهری از اکثر راهکارها همچون مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام، اعتبار عقل در کنار قرآن و اجتهاد پویا، رویکرد اجتماعی به قرآن و توجه به نظام قانون‌گذاری خاص اسلام نام برده است. هدف این مقاله، تبیین راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازها با توجه به جامعه معاصر با تأکید بر نظرات شهید مطهری است. یافته‌ها نشان می‌دهد شهید مطهری قرآن و اسلام را پاسخگوی نیازهای بشر معاصر می‌داند. در نگرش او قرآن و اسلام می‌تواند با استفاده از راهکارهای فوق به حل مشکلات جامعه معاصر بپردازد و در این زمینه به بن‌بست نمی‌رسد. کلیدواژه: قرآن، نیازهای انسان، جامعه، مطهری.

مقدمه

قرآن کریم کتابی جهانی و جاودانی است که خود را راهنمای همه مردم معرفی کرده است، اما بشریت با پرسش‌ها و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که در هر عصری تغییر می‌کند. پس چگونه یک کتاب محدود که چهارده قرن پیش نازل شده است، می‌تواند پاسخگویی همه نیازهای هدایتی جامعه معاصر باشد؟ برای پاسخگویی به این پرسش، در طول تاریخ اسلام راهکارهای متعددی در احادیث پیامبر و معصومان علیهم السلام و سخنان برخی دانشمندان مسلمان مطرح شده است.

از ابتدای ظهور اسلام، از جانب پیامبر گرامی اسلام و ائمه هدی علیهم السلام راهکارهایی برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه زمان خود ارائه می‌گردید. به عنوان نمونه مسئله بطون قرآن که در احادیث پیامبر و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده که در تفسیر صافی، تفسیر برهان و کتاب‌های روایی مانند بحارالانوار به این روایات اشاره و استناد شده است. در حال حاضر مسئولیت این کاربر عهده علما است که باید در دوران حیات خود آن‌ها را از متن قرآن و سیره اهل بیت استخراج کرده و نیازهای جامعه را برطرف نمایند. شهید مطهری در آثار خود به ویژه در کتاب اسلام و نیازهای زمان به این مسئله توجه کرده و برخی از راهکارها را بیان کرده است.

مقاله حاضر به بررسی راهکارهای قرآن برای پاسخگویی به نیازهای جامعه معاصر با محور قرار دادن نظرات شهید مطهری پرداخته است.

مفهوم شناسی

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در این مقاله باید تبیین گردد، مفهوم نیازهای زمان است که از نظرات شهید مطهری برای بررسی این

مفهوم استفاده می‌شود. ایشان می‌فرماید: «مقتضیات زمان به معنای این است که احتیاجات واقعی در طول زمان تغییر می‌کند و انسان برای تأمین همین احتیاجات، به یک سلسله ابزار و وسایل نیاز دارد. وسایل در هر عصر و زمانی فرق می‌کند. دین به وسیله (البته مشروع) کاری ندارد. دین هدف را معین می‌کند و راه رسیدن به هدف را، اما تعیین وسیله تأمین احتیاجات در قلمرو عقل است.» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۱۷)

در مورد کلمه معاصر، در لغت به معنای «هم دوره، هم زمان و هم عصر است و در اصطلاح، کسی که با دیگری در یک عصر و زمان زندگی می‌کند.» (دهخدا، لغتنامه، ذیل واژه معاصر؛ معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه معاصر) جامعه در اصطلاح «مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و آداب و سنن و قوانین خاص با یکدیگر پیوند خورده و دسته جمعی زندگی دارند جامعه را تشکیل می‌دهد.» (دهخدا، لغتنامه، ذیل واژه جامعه؛ معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه جامعه)

پس منظور از نیازهای جامعه معاصر، احتیاجاتی است که در این دوره برای انسان به وجود آمده است.

راهکارهای پاسخگویی قرآن

راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازهای جامعه که شهید مطهری ارائه داده است به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. راهکارها در حوزه منابع دین

منابع دین شامل قرآن، سنت و عقل می‌شود. شهید مطهری به هر سه مورد اشاره کرده است.

الف) عقل قانون‌گذار

قرآن کریم بارها از تفکر، عقل و خردمندان به نیکی یاد کرده و اعتبار عقل را پذیرفته است و عقل یکی از منابع دین و حجت باطنی به شمار می‌رود. عقل می‌تواند در کنار قرآن و سنت پاسخ‌گوی بسیاری از مشکلات و مسائل بشر معاصر باشد. شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «اسلام عقل را به عنوان یک اصل و به عنوان یک مبدأ برای قانون به رسمیت شناخته است و وقتی که پرسیده می‌شود مبادی استنباط احکام چیست؟ می‌گویند چهار چیز است: کتاب (قرآن)، سنت (قول و عمل پیغمبر و یا ائمه اطهار که آن هم باز از سنت پیغمبر کشف می‌کند)، اجماع (اگر در جایی از کتاب و سنت چیزی نبود، ما به دلیل اجماع کشف می‌کنیم) و عقل. این نکته متضمن این مطلب است که آن دین به تضادی میان عقل و کتاب آسمانی و سنت معتقد نیست و اگر معتقد به این تضاد بود محال بود که آن را در عرض این قرار بدهد... اسلام دینی است که اعلام کرده ما از مصلحت‌ها و مفسده‌های مهم نمی‌گذریم. احکام تابع مصالح و مفاسد نفس‌الامری هستند و این مصالح و مفاسد هم غالباً در دسترس ادراک عقل بشر است.»

(مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، ص ۲۶-۲۷)

پذیرش عقل توسط قرآن و سنت، به عنوان منبع دین و قانون گذاری، موجب تحولات عظیم در حوزه اسلام شده که یکی از برکات آن پیدایش اجتهاد است که در حوزه روش های پاسخگویی به نیازهای جامعه معاصر به آن می پردازیم.

پذیرش عقل توسط قرآن و سنت، به عنوان منبع دین و قانون گذاری، موجب تحولات عظیم در حوزه اسلام شده که یکی از برکات آن پیدایش اجتهاد است.

ب) تکمیل قرآن با نبوت و امامت (مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام)

شهید مطهری سه مقام اساسی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برمی شمارد: مقام رسالت و ابلاغ احکام الهی؛ مقام داوری و قضاوت؛ مقام حکومت بر مردم. سپس ایشان یادآور می شود که این سه مقام از پیامبر صلی الله علیه و آله به امامان معصوم علیهم السلام تفویض شده است و بدین سان خط نبوت به وسیله امامت استمرار یافته است: (رضایی اصفهانی، راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازهای جامعه معاصر با تأکید بر نظریات شهید مطهری، ص ۵۳)

سپس شهید مطهری اختیارات پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و مجتهدان جانشین آن ها را یکی از راه های پاسخگویی به نیازهای زمان می داند و می فرماید: «در اسلام یک سلسله اختیارات به پیغمبر داده شده، پیغمبر طبق اختیارات خودش عمل می کند و لهذا مجتهد باید تشخیص بدهد کدام کار پیغمبر به وحی بوده و کدام کار پیغمبر به موجب اختیار او که چون به موجب اختیار خود پیغمبر بوده تابع زمان خود پیغمبر است، زمان که عوض شد ممکن است این جور نباشد. این اختیارات از پیغمبر به امام منتقل می شود و از امام به حاکم شرعی مسلمین. بسیاری از تحریم ها و تحلیل هایی که فقها کرده اند، بر همین اساس بوده است. مثل تحریم تنباکو» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، ص ۶۳۹-۶۴۲)

بدین وسیله رسالت در امامت و ولایت اولوالامر و حاکمیت حق تداوم یافت و اطاعت مسلمانان از اولی الامر را واجب قرارداد تا هر زمان که نیاز بود از احکام و فتوای آنان برای حل مسائل استفاده شود.

ج) قوانین قرآن قضایای حقیقی

شهید مطهری همچون دیگر علمای اسلام، قوانین اسلامی از جمله قوانین قرآن را قضایای حقیقی می داند که حکم روی عنوان می رود و در هر زمان بر مصادیق جدید تطبیق می شود نه از قبیل احکام خارجی و شخصی که مخصوص مکان، زمان و افراد خاص است. این یکی از راهکارهای انطباق قرآن بر نیازهای هر عصر است. (سوزنچی، پاسخگویی به نیازهای زمان در حوزه مباحث فقهی از منظر استاد مطهری، ص ۴۰۳) شهید مطهری در این مورد می فرماید: «در قضایای حقیقیه حکم روی افراد نمی رود، روی یک عنوان کلی می رود چون شما خاصیت را از این عنوان به دست آورده اید، می گوید هر چه که تحت این عنوان قرار بگیرد، الا و لابد دارای این خاصیت است اگر بگوییم: آیا مقصود، همه افرادی است که در زمان ما موجود است؟ می گوید: نه، در گذشته همه هر چه بوده،

مشمول این هست در آینده چطور؟ در آینده هم همین طور آنگاه شما می گوید هر چه که در عالم، وجود پیدا کند، همین که مصداق این کلی شد، باید این حکم را داشته باشد و نمی تواند نداشته باشد. علما معتقد هستند اسلام که قانون وضع کرده، به شکل قضایای حقیقیه وضع کرده، یعنی طبیعت اشیاء را در نظر گرفته و روی طبیعت، حکمی برده، مثلاً گفته است دزدی از آن جهت که دزدی است و مال دزدی از آن جهت که مال دزدی است حرام است.» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، ص ۱۵-۱۳)

بنابراین می توان گفت که قوانین قرآنی در مورد ارث، دیات، قصاص، حدود، ازدواج، طلاق و... از باب قضایای حقیقی است که مربوط به زمان، مکان، اشخاص و فرهنگ خاص نیست و در تمام زمان ها و مکان ها جاری می شود.

۲. راهکارها در حوزه روش ها و قواعد

الف) اجتهاد پویا

یکی از راهکارهای مهم پاسخگویی به مشکلات و پرسش های هر عصر، اجتهاد پویاست که مجتهد بر اساس منابع معتبر یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع به استنباط می پردازد و شهید مطهری به این راهکار توجه ویژه دارد و اجتهاد را بر دلایل قرآنی استوار می کند و اجتهاد را قوه محرکه اسلام می خواند و می فرماید: قرآن کریم تعبیری دارد: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ...» (توبه: ۱۲۲) قرآن مسئله ای را طرح کرده است به نام تفقه در دین. معنای تفقه در دین این است که انسان دین را سطحی نشناسد، به شناختن تن اکتفا نکند و انسان معنی را به دست بیاورد... (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۴۲-۱۴۱)

یکی از راهکارهای مهم پاسخگویی به مشکلات
و پرسش های هر عصر، اجتهاد پویاست که
مجتهد بر اساس منابع معتبر یعنی قرآن، سنت،
عقل و اجماع به استنباط می پردازد و شهید
مطهری به این راهکار توجه ویژه دارد و اجتهاد
را بر دلایل قرآنی استوار می کند و اجتهاد را
قوه محرکه اسلام می خواند.

شهید مطهری عرصه های مختلفی را برای اجتهاد در دین مطرح می کند که برخی از این عرصه ها عبارتند از: ۱. استنباط در تعیین مصادیق جدید

شهید مطهری یکی از کاربردهای اجتهاد را در استنباط مصادیق جدیدی از قرآن معرفی می کند و با ذکر مثالی می فرماید: «ما در آن قرآن دستوری داریم: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰) اسلام به جامعه اسلامی دستور می دهد که در مقابل دشمن آنچه که در استطاعت داری تهیه بکن تا مسلمانان آن قدر نیرومند باشند که هر جمعیت غیرمسلمانی وقتی مسلمان ها را می بینند رعب آنها در دلشان ایجاد بشود برای اینکه خیال تجاوز در دماغشان خطور نکند. مسئله این است که اسلام در مورد چه دستوری اجرای خود آن دستور را خواسته است و چه دستوری را اجرا کننده یک دستور دیگر دانسته است. این همان حساب تفقه در دین است که انسان مقصود را دریابد.» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۳)

طبق همین آیه شریفه می توان گفت که یک زمان برای مقابله با دشمن، از شمشیر و... استفاده می شد اما در زمان های گوناگون

سلاح ها و ادوات تفاوت کرده و در جامعه معاصر نیز استفاده از سلاح های گرم، تانک، هواپیماهای جنگی، ناوها، موشک ها و... برای مقابله با دشمن ضروری است و این موارد، مصادیق جدیدی است که بر این آیه شریفه منطبق می گردد.

شهید مطهری اجرای قاعده اهم و مهم را یکی از راهکارهای دینی برای پاسخگویی به نیازهای مقتضیات زمان و تشخیص صحیح موارد اهم و مهم را وظیفه مجتهد می داند.

۲. تشخیص موارد قاعده اهم و مهم (رعایت مصلحت مهم تر) شهید مطهری اجرای قاعده اهم و مهم را یکی از راهکارهای دینی برای پاسخگویی به نیازهای مقتضیات زمان و تشخیص صحیح موارد اهم و مهم را وظیفه مجتهد می داند و می فرماید: «همین مطلب به اسلام یک خاصیت جاویدان داده است که اگر در مقابل دو دستور از دستورهای دین قرار می گیری و در آن واحد قادر نیستی هر دو را اطاعت بکنی، باید فکر بکنی که از میان آن دو دستور کدامیک مهم تر است، آن را که اهمیت کمتری دارد فدای آن که اهمیت بیشتری دارد بکنی... یعنی امر دایر است میان دو حکمی که اسلام دارد و ما عملاً باید یکی از آن دو حکم را رها کنیم تا حکم دیگر را حفظ کنیم، اینجا وظیفه مجتهد است که تشخیص صحیح داشته باشد تا مهم تر را بگیرد و مهم را رها کند.» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۱۵۲-۱۴۹)

به عنوان نمونه می توان پذیرش صلح با عراق در جنگ تحمیلی را مثال زد که امام خمینی باینکه جنگ با دشمن را لازم می دانستند، اما در شرایط خاص و ویژه آن زمان، صلح را پذیرفته و جنگ خاتمه یافت. همچنین با پیش آمدن مسئله داعش در کشور عراق، ایران به یاری این کشور شتافت.

ب) نظام قانون گذاری اسلام شیوه قانون گذار در قرآن و اسلام به گونه ای است که پاسخگویی بسیاری از مسائل جدید جامعه خواهد بود. شهید مطهری به تأثیر نظام قانون گذاری اسلامی و قرآن در پاسخگویی به مسائل انسان معاصر و حل مشکلات او توجه داده است.

۱. قوانین ثابت و متغیر (لزوم درک روح قوانین ثابت قرآن و اشراف آن در قوانین متغیر) توجه به این مسئله که ما نیازهای مختلفی داریم که برخی از آن ها قابل تغییر است و پاسخ به آن ها هم می تواند تغییر کند، یکی از راهکارهایی است که نظام قانون گذاری اسلام به آن توجه کرده است. شهید مطهری در این مورد می فرماید: «نیازهای بشر دو گونه است: ثابت و متغیر. در سیستم قانون گذاری اسلام برای نیازهای ثابت، قانون ثابت وضع شده و برای نیازهای متغیر، قانون متغیر، ولی قانون متغیر، قانونی است که [اسلام] آن را به یک قانون ثابت وابسته کرده و آن قانون ثابت را به منزله روح این قانون متغیر قرار داده که خود آن قانون ثابت این قانون متغیر را تغییر می دهد نه ما، تا بشود نسخ؛ در واقع خود اسلام است که آن را عوض می کند. قرآن می گوید: «وَأَعَدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» (انفال/۶۰) یک زمانی ساخت ابزار جنگی برای این کار لازم بود و اینک علم ساختن اتم. (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، ص ۵۳)

بررسی این شکل از قانون گذاری اسلام، نشانه انعطاف و بالندگی و رشد نظام اسلامی است. چرا که این گونه، تسلط و پاسخگویی خود را به زمان ها و اعصار گوناگون و نیازهای متعدد نشان داده است.

۲. احکام اولیه و ثانویه

تغییر حکم اولی به ثانوی یکی از راهکارهای حل مشکلات بشر است که قرآن کریم به آن توجه داده است. برای مثال خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و... حرام است، اما قرآن، خوردن آن ها را در هنگام اضطرار جایز اعلام کرده است: «فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مائده/۳)

شهید مطهری در این باره می فرماید: «گاهی ممکن است تکلیف مردم در دو زمان فرق بکند، در یک زمان یا در یک شرایط و در یک مکان یک امر حرام باشد، همان چیز در زمان دیگر و در شرایط دیگر حلال و گاهی واجب باشد، برای این که در این زمان با امور دیگری مواجه شده که آن امور از نظر اسلام اهمیت بیشتری دارند مجتهد زمان پیش فتوا می داد که فلان چیز حرام است مجتهد زمان بعد همان چیز را با در نظر گرفتن شرایط جدید، فتوا می دهد که واجب است.» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، ص ۱۷ و ۵۹-۵۶)

به عنوان نمونه، طبق آیه شریفه قرآن، هر آن چیزی که برای قدرت مسلمانان لازم باشد باید فراهم آورد، اما در شرایط امروز، رهبر انقلاب حکم به حرام بودن ساخت و استفاده از بمب و سلاح شیمیایی می دهند تا صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ای ایران را آشکار سازند.

۳. تفویض قانون گذاری در جزئیات به مردم کلیات قوانین اسلامی در قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده، اما برخی از مقررات جزئی مشخص نشده است، در این موارد مسلمانان حق دارند در چارچوب قوانین شرعی به وضع قانون و تنظیم امور زندگی خود بپردازند. شهید مطهری در این مورد می فرماید: «معنای قانون اسلامی و قانون دینی این نیست که در تمام جزئیات زندگی مردم، خود باید بروند ببینند که در قرآن یا سنت این حکم چگونه بیان شده است. اموری است که اسلام آنها را به خود مردم تفویض کرده است.» (مطهری، همان، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۱)

معنای قانون اسلامی و قانون دینی این نیست که در تمام جزئیات زندگی مردم، خود باید بروند ببینند که در قرآن یا سنت این حکم چگونه بیان شده است. اموری است که اسلام آنها را به خود مردم تفویض کرده است.

به عنوان نمونه، در جامعه معاصر، دستور اسلام برای حمایت مسلمانان از یکدیگر به عنوان برادر دینی، کشور ایران پیوسته از کشورهایی مانند فلسطین، یمن، سوریه و... که در مقابل کفار یا متجاوزان می جنگد، حمایت می کند.

۴. قوانین بازدارنده

یکی از راهکارهای انطباق اسلام با مقتضیات زمان، استفاده از قوانین کنترل کننده است که حق و تو دارد و انعطاف خاصی در قوانین اسلامی ایجاد می کند و شهید مطهری با طرح دیدگاه شیخ انصاری این راهکار را توضیح می دهد: «در متن قوانین اسلام یک

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. پاک نژاد، سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، تهران: اسلامیه، بیتا.
۲. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران، بیتا.
۳. صیادی، سمیه، پاسخگویی قرآن به نیازهای انسان معاصر، تهران: فارسیران، ۱۳۹۵.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، قم: اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۵. مطهری، مرتضی، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲۶، تهران: صدرا، ۱۳۸۶.
۶.، آشنایی با قرآن، ج ۱ و ۲، ج ۱۸، تهران: صدرا، ۱۳۸۲.
۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: بهزاد، بیتا.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازهای جامعه معاصر با تأکید بر نظریات شهید مطهری»، مجله کوثر معارف، سال چهارم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۷.
۱۰. سوزنجی، حسین، «پاسخگویی به نیازهای زمان در حوزه مباحث فقهی از منظر استاد مطهری»، کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی، ۱۳۸۱.

نرگس پاخیزن



سلسله قوانین وضع شده که کارشان کنترل قوانین دیگر است؛ اسلام برای این قوانین کنترل کننده، حق و تو قائل شده است. فقها تعبیر بسیار زیبایی پیدا کرده اند که از شیخ انصاری است که اگر قانونی با قانون دیگر تصادم داشته باشد، یا به شکل نسخ است که آن را نسخ می‌کند، یا به شکل تخصیص است. تقیید با تخصیص نزدیک است ولی عین آن نیست، شیخ انصاری گفت: اما گاهی دلیلی بر دلیل دیگر حاکم است، نه نسخ او، نه مخصص او و نه مقید اوست، حاکم بر اوست و بر او حکومت می‌کند. حکومت، نوعی تفسیر است، به شکل دیگری است، روحش همان روح تخصیص و تقیید است، ولی زبانش با او فرق می‌کند.» (مطهری، اسلام و نیازهای زمان، ج ۲، ص ۶۲-۵۹)

به عنوان نمونه در زمان معاصر، می‌توان مسئله مقابله با داعش را مثال زد که آن‌ها خودشان را مسلمان و پیرو پیامبر می‌دانند؛ اما علما و فقهای مسلمان، اعم از شیعه و سنی معتقدند که رفتار و عملکرد آن‌ها نشان می‌دهد که هیچ پایبندی به اسلام ندارند و باید با آن‌ها جنگید.

اسلام در همه ابعاد به گونه ای است که به عنوان آخرین دین آسمانی می‌تواند پاسخگوی همه نیازهای بشریت در ابعاد مختلف و اعصار گوناگون باشد و قواعد و قوانین را به صورت کلی و حقیقی بیان کرده است.

نتیجه گیری

با توجه به مباحثی که مطرح شد می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام در همه ابعاد به گونه ای است که به عنوان آخرین دین آسمانی می‌تواند پاسخگوی همه نیازهای بشریت در ابعاد مختلف و اعصار گوناگون باشد. اسلام، قواعد و قوانین را به صورت کلی و حقیقی بیان کرده و در کنار آن، مرجعیت علمی پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه هدی علیهم السلام و عقل و اجماع را نیز مهر تأیید زده است. اجتهاد پویا، تعیین مصادیق جدید با توجه به حکم کلی، قوانین ثابت و متغیر، احکام اولیه و ثانویه، تفویض قانون‌گذاری در جزئیات به عهده مردم و وضع قوانین بازدارنده، همگی از راهکارهایی هستند که با بررسی آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام می‌توان به آن‌ها دست یافت که به وسیله آن‌ها به نیازهای جامعه در هر زمان پاسخ داد.





سیرت فاطمه علیها السلام

گلبرگی از کرامات

حضرت معصومه علیها السلام



عنایات و کرامات فراوان و بی شمار بانوی بهشتی و شفیعۀ دو عالم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، شربت گوارایی است به کام خشکیده عاشقان دل سوخته و چراغ هدایتی است برای در راه ماندگان. ذکر شمه ای کوتاه از وسعت بی کران الطاف بانو، عطری دل انگیز در فضای این مجموعه می پراکند و گویی دل را خالصانه تر به ملکوت حرم پیوند می زند. فاطمه معصومه علیها السلام از خاندانی است که در زیارت جامعۀ خطاب به ایشان آمده است: «عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجَّيْتُكُمْ الْكَرَمَ» از این رو، کرامات و عنایات آستان مقدسش، بسیار و شامل حال خاص و عام بوده است:

شفای خادم حرم

میرزا اسدالله از خادمان حرم حضرت معصومه علیها السلام به سبب مرضی انگشتان پایش سیاه شده بود. جراحان اتفاق نظر داشتند که برای پیش گیری از سرایت مرض به بالا، لازم است پای او قطع شود. قرار شد که فردای آن روز پای او را جراحی کنند. میرزا گفت: حال که چنین است، امشب مرا به حرم مطهر ببرید. وی را به حرم بردند. شب هنگام خدام در حرم را بستند و او نزد ضریح تا نزدیک صبح از درد می نالید. ناگهان خدام صدای میرزا را شنیدند که می گوید: در حرم را باز کنید. حضرت مرا شفا داده است. پس از باز کردن در ایشان تعریف کردند: که در عالم خواب، خانمی مجلله نزد من آمد و فرمود: تو را چه می شود؟ عرض کردم که این مرض مرا عاجز نموده و از خدا شفای دردم یا مرگ را می خواهم. آن بانو گوشه مقنعه خود را چند دفعه بر روی پای من کشید و فرمود: شفا داریم تو را. عرض کردم شما کیستید؟ فرمودند: چگونه مرا نمی شناسی و حال آنکه خدمت در حرم مرا داری؟ من فاطمه دختر موسی

کتاب: مهتاب اهل بیت
(سیری در زندگی کریمه اهل بیت
حضرت معصومه سلام الله علیها)
تدوین: سمیه اکبری





دستگِ حرم...

یا به رضایت، پس هرگز خالی نمی شود، اصلاً اینجا همیشه پر بوده از عاشقان اهل بیت از هر کیش و آیین و زبانی که تصور کنی هستند. چرا که، اینجا دروازه ورود به کربلاست، مسیر مروه و صفا از قبر غریب طوس وعدگاه خدا شده.

چه زیبا که او مهربان است و پیشه اش لطف و کرم است. چقدر خواستنی که او همه ی بدیهای من را ضمانت می کند و هر آنچه در پیشگاهش بخواهی به نام جوادش تقدیم می کند، پس کم نخواه که وسعت دنیا برای آمین رضا (ع) کم است، عاقبت را در حکومت فرزندش مهدی طلب کن.

صدای اذان از مناره های حرم به گوش می رسد. وقت آن است که در صحن گوهر شاد سجده شکر حضور بر زمین بگذارم و بودن دوباره در حریمش را آرزو کنم.

چه دل نشین است، صدای نقاره خانه می آید صبحی دیگر زیر سایه ی سلطان طوس آغاز شد... یادم باشد هر کجای این عالم هستم بُعد مسافت من را از نگاه رضایت رضا محروم نکنند... پس دست ادب برسینه السلام علیک یا علی ابن موسی الرضا...

صدای سارها روی درخت های نزدیک حرم می آید، آوای سار کوچه را پر کرده است.

دلَم پر می کشد، حرم می خواهد...

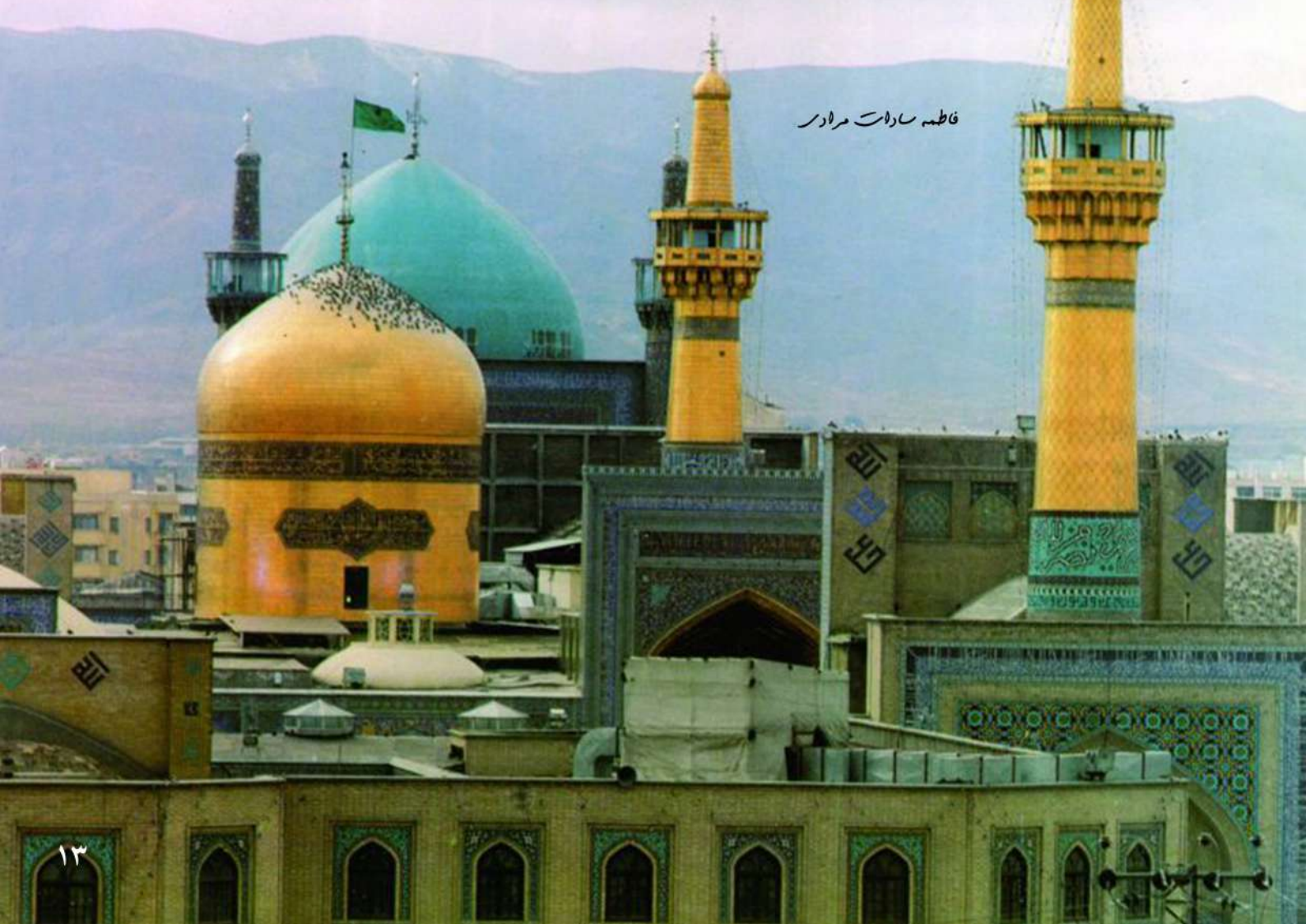
بی اختیار به سمت گنبد طلا بر می گردم، چشمم به گنبد دوخته شده، هیچ چیز را نمی شنوم، حتی صدای مرد فروشنده که اموالش را فریاد می زند در بین هیاهوی رضا جان گم می شود. چشم هایم را می بندم، صبح و طراوت حرم جان افزاست و صدای دلنشین و زمزمه های حرم روح را تازه می کند.

همیشه همین است وقتی در صحن نفس می کشی زمان گم میشود و رویا جان می گیرد، گویی در خوابی شیرین هستی که تو را توان بلند شدن نیست، از این پس هیچ لطافتی تو را راضی نمی کند.

باز حرکت می کنم به چند قدمی ضریح می رسم، جمعیت فشرده تر می شود، میدانم امام مهربانی ها کنار همه زائرش می ایستد و به دعایشان آمین می گوید.

اینجا همان حرمی است که همه دلها را راضی کرده، یا به حاجت

فاطمه سادات مراد





گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب (حفظه الله) در سالگرد رحلت بنیانگذار کبیر اسلام ۱۴۰۱/۰۳/۱۴

امام بزرگوار روح جمهوری اسلامی است. اگر این روح از جمهوری اسلامی گرفته بشود و مورد بی توجهی قرار بگیرد، نقشی بر دیوار باقی خواهد ماند. بحث امروز من درباره ابعادی از شخصیت امام عزیز و بزرگوار ماست... ناگفته‌ها هنوز بسیار است. هر چه گویم عشق را شرح و بیان چون به عشق آیم خجل باشم از آن بسیاری از ابعاد شخصیت امام بزرگوار ما همچنان ناشناخته است. درواقع نسل کنونی انقلاب، نسل جوان ما به‌خصوص، امام عزیز را به درستی نمی‌شناسند. عظمت امام را نمی‌دانند. امام را با امثال این حقیر مقایسه می‌کنند در حالی که فاصله بسیار زیاد است. فاصله نجومی است.

شناسایی امام برای نسل جوان از این جهت اهمیت دارد که به آنها برای اداره بهینه آینده کشور کمک می‌کند. امام فقط امام دیروز نیست، امام امروز هم هست، امام فردا هم هست.

نسل جوان و هوشمند ما که قرار است مسئولیت ملی و انقلابی گام دوم این انقلاب را بر عهده بگیرد، و آینده این کشور را اداره بکند، احتیاج دارد به یک نرم افزار واقعی برای اینکه بتواند راه انقلاب را درست طی کند. یک نرم افزار مطمئن و جامع که بتواند به او کمک کند این نرم افزار که می‌تواند شتاب دهنده و کمک کننده باشد و حتی در مواقعی تحول آفرین باشد، عبارت است از درسهای امام. درسهایی که هم در گفتار امام و هم در رفتار امام، میتوان آنها را یافت.

امام رضوان الله علیه، رهبر این انقلاب بود و رهبر نهضتی بود که به این انقلاب انجامید. انقلاب را البته مردم به پیروزی رساندند، در این تردیدی نیست... اما آن دست قدرتمند، آن شخصیت پولادین، آن دل مطمئن، آن زبان ذوالفقارگونه که توانست میلیونها انسان را از قشرهای مختلف وارد میدان کند، اینها را در میدان نگه دارد، یأس و

ناامیدی را از آنها دور کند، جهت حرکت را به اینها تعلیم بدهد، امام بزرگوار، خمینی عظیم بود. امام در مقاطع مختلف، میدان مبارزه را هم مشخص میکرد. به مردم تعلیم میداد که میدان مبارزه کجاست. در مقاطع مختلف به تناسب. در دوران نهضت یک جور، در گرماگرم روزهای خونین پیروزی انقلاب یک جور. امام یک شخصیتی بود به معنای واقعی کلمه باتقوا و پرهیزگار و پاک... اهل معنویت و حالات عرفانی بود. اهل گریه سحر بود. مرحوم حاج احمد آقا به بنده گفت که امام سحرها که بلند می‌شوند و گریه می‌کنند در نماز و در دعا، این دستمال معمولی که ایشان دارند کفاف نمی‌دهد، برای ایشان حوله می‌گذاریم! حوله برای اشک!

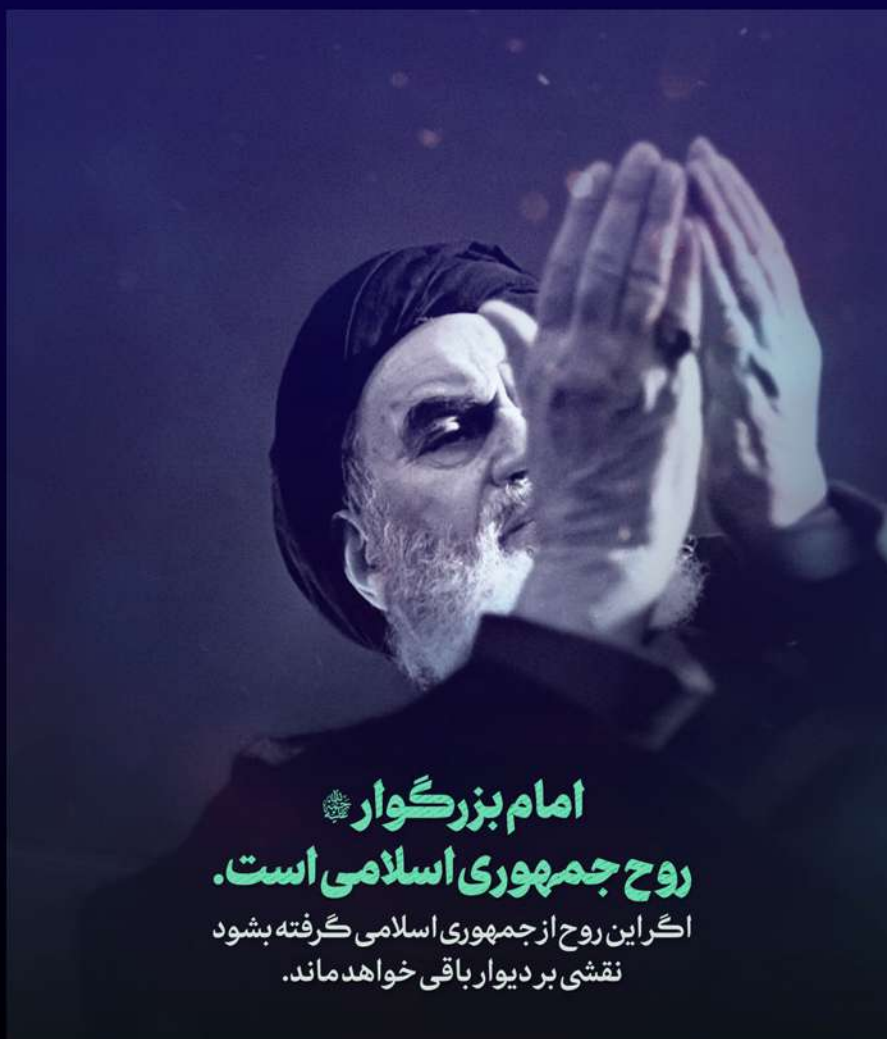
امام اهل این معنویت‌ها بود. اهل لطافت روحی بود. این کتابهای معنوی امام مثل آداب الصلاة، مثل شرح حدیث عقل و جهل، همه اینها را امام تقریباً در جوانی یا در اوایل میانسالی حدود چهل سالگی نوشته بود از جوانی این جور بود. امام هم حماسه‌ساز بود هم دارای معرفت و معنویت بود.

امام، رهبر بزرگترین انقلاب تاریخ انقلابها بود. چرا می‌گوییم بزرگترین انقلاب، در تاریخ انقلاب‌ها؟ در تاریخ انقلاب‌ها، از همه ی انقلاب‌ها معروفتر، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب شوروی است. این دو انقلاب به وسیله مردم پیروز شد اما بعد از آنی که انقلاب پیروز شد، مردم شدند هیچ‌کاره. مردم کنار زده شدند.

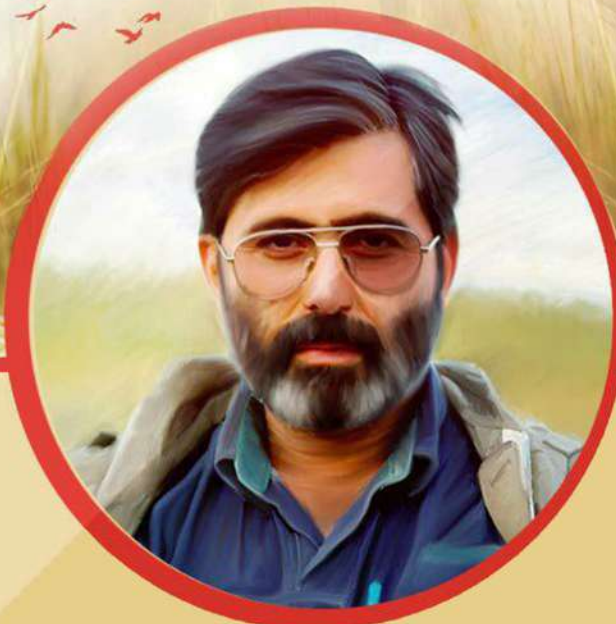
نتیجه این شد که این دو انقلاب به سرعت از مسیر مردمی اولی خودشان منحرف شدند.

در فرانسه بعد از ۱۲، ۱۳ سال از انقلاب مجدداً کشور فرانسه سلطنتی شد و ناپلئون سرکار آمد، تاج سلطنت گذاشت. بعد هم برکنار شد و همان خانواده‌ای که انقلاب فرانسه بر علیه آنها -خانواده بوربون‌ها- بود، برگشتند و اداره امور فرانسه را بر عهده گرفتند.

در انقلاب شوروی به دوازده سال هم نرسید. بعد از چند سال کوتاه، استالین و جانشینانش آنچنان استبدادی و دیکتاتوری را بر کشورهای شوروی، اعمال کردند که سلطنت‌های قبل از آنها این استبداد را ندیده بودند؛ باز هم مردم هیچ‌کاره بودند و هیچ‌کاره شدند.



امام بزرگوار
روح جمهوری اسلامی است.
اگر این روح از جمهوری اسلامی گرفته بشود
نقشی بر دیوار باقی خواهد ماند.



نادر طالبزاده مستندساز دفاع مقدس و هنرمند برجسته و متعهد جبهه فرهنگی انقلاب شب گذشته (جمعه ۹ اردیبهشت) به دیدار معبود رفت. شاید برای کسانی که مسیر فکر و کار آن مرحوم را به صورت حرفه‌ای دنبال نکردند این سؤال پیش بیاید که نسبت نادر طالبزاده و شهید آوینی چه بوده است؟ و اساساً چه قرابت فکری و فرهنگی باعث است تا پیکر زنده یاد طالبزاده هم‌رزم شهید سید مرتضی آوینی شود. زنده یاد طالبزاده در یکی از گفتگوهای خود درباره سابقه آشنایی و همکاری خود با شهید آوینی گفته است؛ شاید بتوان گفت آشنایی من با مرتضی از فیلم‌های او، سریال جهاد و داستان فتح آغاز شد. یعنی قبل از اینکه بینم کارش را دیدم. سال ۵۷ از آمریکا آمدم و به مرور فیلم‌های ترکمن صحرا، خان گزیده‌ها، حقیقت و... را دیدم که مرتضی در سال‌های اول انقلاب ساخته بود. به عنوان یک مستندساز که همیشه خود را یک «مستندساز دانشجویی» می‌دانستم، وقتی این فیلم‌ها را با آن گزیده‌ها و متن و صدا دیدم، احساس کردم کار برایم تازگی دارد، احساس کردم این فیلم با آن زنده و سر حال است. «روح» و با «روح» صحبت می‌کند. در سال ۵۸ یک مستند تلویزیونی به نام «واقعیت» درباره گروگان‌گیری ساختم. آن زمان من در ساختمان تولید شبکه یک بودم و او در ساختمان دیگری. یکی دو بار اتفاقی همدیگر را آنجا دیده بودیم ولی نمی‌شناختیم. تا اینکه در عملیات آبی‌خاکی خیبر در سال ۱۳۶۲ فیلمی به نام «والعصر» ساختم.

والعصر در سال ۱۳۶۳ پخش شد که با فرمت ۳۵ میلی‌متری فیلم‌برداری شد و به داستان پروژه بزرگ مهندسی جنگ یعنی احداث جاده ۱۳ کیلومتری سیدالشهدا (ع) در قلب باتلاق‌های هور در عملیات خیبر. از خودم فیلم گرفته بودم. او این را دید و ساختمان آشنایی ما از آنجا شروع شد. بعد از آن باهم ارتباط داشتیم.

اوایل دهه شصت فرصتی برای رفتن به آمریکا پیدا کردم. با طرحی که او داد و آقای زم حمایت کرد، به آمریکا رفتم و سریالی به نام «ساعت ۲۵» ساختم که در واقع پیش‌بینی فروپاشی آمریکا بود. همکاری نزدیک من با آقای آوینی از همین‌جا شروع شد. یعنی یکجا بودیم و کارها زیر نظر آن‌ها انجام می‌شد. پس از آن مجموعه مستند «خنجر و شقایق» درباره مقاومت مردم بوسنی و هرزگوین بود که در ۱۰ قسمت تهیه شد و مستقیماً باهم در ارتباط بودیم. من با آقای رضا برجی و محمد صدری (بچه‌های جهاد و ماجرای فتح سابق) به سفر رفتیم و آن ۱۰ قسمت را ساختم. مونتاژش کردم چند متن تهیه کردیم و آقای حسین بهزاد یک سری کارهای مکتوب روی آن انجام داد که البته بعد از آن شهید آوینی بر اساس دیدگاه‌های عرفانی و اشرافی خود متن پایانی فاخری نوشت و نام مجموعه «خنجر و شقایق» بود. طولی نکشید که آوینی پس از کار با خنجر و شقایق به شهادت رسید. اما در این مدت باهم ارتباط داشتیم.

در مدتی که ایشان در حوزه بودند هر روز باهم ملاقات می‌کردیم. جلسات او بسیار داغ بود و افراد بسیار خاصی به آنجا می‌آمدند. فکر نمی‌کردم شهید شود. وگرنه من اغلب دوربین داشتم. اگر می‌خواهید بدانید که او در حالت عادی چگونه بود، انگار به نوری متصل بود که مدام از آسمان جاری بود و در عین حال بسیار شاد و خنده‌دار بود. مثل بهشتیان که می‌گویند و می‌خندند و به هم سلام می‌کنند و این واقعاً در آن‌ها مشهود بود. یعنی هنر اولش حضورش بود و هنرهای دیگر هنر دومش.

شش سال قبل از شهادت مرتضی به برادرش آقایان سید محمد آوینی و اسلاملو، دوستان نزدیک و نزدیکان آقای آوینی گفتم: بزرگ‌ترین هنرمند زمان مرتضی آوینی است. این را ۶ سال قبل از شهادتش گفتم. این افراد اکنون شاهد هستند. من این را با قطعیت می‌دانستم. بحث من هم خصوصیات او بود چون دیگر شبیه او نبود. چه بر سر انسان می‌آید که واقعاً اسلام در او تجلی پیدا کند. اسلامی وجود داشت که همه انسان‌ها را در مرتضی متحول می‌کند و من فکر می‌کردم این آدم یک آدم عادی نیست. من فکر می‌کنم چنین فردی هر

شهید مرتضی آوینر



قرن می‌آید. او فوق‌العاده قابل احترام بود. من اغراق نمی‌کنم. بخشی از قدرتی که خدا به او داد به خاطر انتخاب‌هایش بود. او رفتار بسیار متفاوتی داشت. قبل از انقلاب هم چیزهایی دیده. در دوران جنگ هم خیلی خوب خدمت کرد. من همان موقع متوجه این موضوع شدم و به همه دوستان گفتم که او بهترین گزینه است، اما فکر نمی‌کردم شهید شود. وگرنه کارهای دیگری انجام می‌دادم. اواخر سال ۶۲ به من گفتند که آقای آوینی نیاز به کمک دارد. شما به تلویزیون بروید تا از جهاد به آن‌ها کمک کنید. بعد از ۴ سال تحصیل، فیلم‌سازی را به صورت آکادمیک خواندم. من هنر فیلم‌سازی را بلد بودم. قبل از انقلاب فیلم ساخته بودم. ۳۵ روز بود که در والعصر کار می‌کردم. به من گفته شد که به آن‌ها ملحق شوم. اما به دلایلی این اتفاق نیفتاد. چون تمام کارهایم در واحد تولید فیلم پشتیبانی جنگ از بین رفت و مجبور شدم آن را ننگه‌دارم. اما تا پایان جنگ به این فکر می‌کردم که چرا نمی‌توانم از نزدیک با او کار کنم بعد از آن خدا دو فرصت دیگر به من داد. یک‌بار در حال ساخت یک سریال ۷ قسمتی به نام «ساعت ۲۵» بود که بدون او اصلاً ساخته نمی‌شد. شاید بدون مرتضی آوینی فیلم‌هایی که بعد از جنگ ساختم هرگز ساخته نمی‌شد. یعنی بارهنمایی و خلق و خوی خاص ایشان بود. من معتقدم که تمام تحقیقاتی که انجام دادم با آنچه در برخورد با آن‌ها یافتم یکسان نبود. چون در بعضی جاها دیگر فن مهم نیست. شما باید تکنیک را در یک مکان یاد بگیرید اما چیز دیگری درجایی دیگر مهم است.

احتمالاً برای ساخت «ساعت ۲۵» حدود ۴۰ ساعت فیلم از آمریکا آورده بودم که حاصل دو سه ماه فیلم‌برداری درباره آمریکا بود. آمریکایی که تا بعد از انقلاب هیچ‌کس درباره‌اش فیلم نساخته بود. من یک برنامه ۴۰-۳۰ دقیقه‌ای از آن ساختم. مرتضی که دید، گفت: خوب است. اما شما مونتاژ نمی‌کنید. شما کار خود را انجام داده‌اید. بگذارید فارسی آن‌ها جمع‌آوری کند. این اولین دیدار من با آقای محمدعلی فارسی بود.

فیلم‌های شهید آوینی به نوعی تأیید انقلاب اسلامی از یک هنرمند بود. به خصوص برای ما که از آن‌سوی دنیا آمده‌ایم، کمک زیادی به بازتفسیر انقلاب از منظر یک هنرمند موفق و مدرن کرد. اولین مستندهایی که دیدم درباره جنگ نبود. درباره مشکلات مردم ایران در اقلیم‌های مختلف بود و سبک کاملاً جدیدی داشت. یعنی تلفیقی بود بر اساس آنچه بعداً «سند روشنگری» نامیده شد. اینکه بگوییم «مستند روشنگری» جمله کاملاً درستی بود. این به معنای واقعی کلمه یک کار معنوی بود. بر اساس حضور و روحانیت خاص بود. مرتضی اهل عبادت و رفتار است. این تفاوت مرتضی با بقیه بود. ببینید، برخی افراد باهم متفاوت هستند و برخی دیگر جذابیت دارند. به همین دلیل است که آن‌ها کامل‌تر هستند و در «اکنون» زندگی می‌کنند. آوینی این‌گونه بود و این ویژگی در آثارش هم دیده می‌شد.... ادامه دارد...



زهرآ سادات حسینی



نشانه‌های موعود منجی

در اناجیل



فراهم شوید تا بخورید گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران» (همان، ص ۴۱۷، باب ۱۹، بندهای ۱۱-۱۸)

علائم ظهور موعود منجی

«زیرا این را به شما از کلام خدا می‌گوییم که ما که زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم بر خوابیدگان سبقت نخواهیم جست؛ زیرا خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد، و مردگان در مسیح اول خواهند برخاست. آنگاه که ما زنده و باقی باشیم با ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا خداوند را در هوا استقبال کنیم و همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود».

در انجیل لوقا نیز تعدادی از علائم و نشانه‌های ظهور ذکر گردیده است که مردم با دیدن این نشانه‌ها دریابند که ظهور و آمدن مصلح نزدیک است و منتظر حکومت جهانی مصلح باشند و خود را نیز آماده سازند و زمینه‌سازی نمایند.

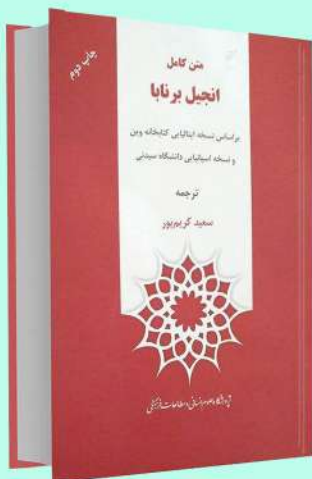
«و در آفتاب و ماه و ستارگان، علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امتها روی خواهد نمود، به سبب شوریدن دریا و امواجش و دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود زیرا قوت آسمان متزلزل خواهد شد و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید» (انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۵-۲۷)

مفسرین انجیل در مورد این آیات می‌گویند: شخص مورد بشارت در این آیات تا کنون قدم به عرصه وجود نهاده و تفسیر روشن و معنی واضح آنها نیز موکول به زمان آینده و نامعینی است که وی ظاهر گردد.

ولی با اندکی دقت و تأمل در آیات فوق این نتیجه به دست می‌آید که شخص مورد بشارت در مکاشفه یاد شده، بزرگترین مولود جهان انسانیت، و شخص ممتاز و بی نظیری است که به منظور

«و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد. زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پایهایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد بر می‌آورد و علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهای بزرگ آتش گون که او را هفت سر و شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر و دمش ثلث ستارگان آسمان را کشیده آنها را بر زمین ریخت و اژدها پیش آن زن - که می‌زایید - بایستاد تا چون بزاید فرزند او را ببلعد پس پسر نرینه را زایید که همه امتهای زمین را به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد و فرزندش به نزد خدا و تخت او ربوده شد... و در آسمان جنگ شد. میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردند و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند ولی غلبه نیافتند بلکه جای ایشان دیگر در آسمان یافت نشد و اژدهای بزرگ انداخته شد. یعنی آن مار قدیمی که به ابلیس و شیطان مُسمی است که تمام ربع مسکون را می‌فریبد او بر زمین انداخته شد و فرشتگانش با وی انداخته شدند» (انجیل یوحنا مکاشفه یوحنا، ص ۴۰۸، باب ۱۲، بندهای ۱-۵ و ۷-۱۰)

در قسمت دیگری از مکاشفه یوحنا لاهوتی بشارت ظهور حضرت مهدی (عج) چنین آمده است: «دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری و جنگ می‌نماید و چشمانش چون شعله آتش، و بر سرش افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی‌داند و جامه خون آلود - سرخ - در بر دارد و نام او را کلمه خدا می‌خوانند و لشکریایی که در آسمانند بر اسبهای سفید، و به کتان سفید و پاک ملیس از عقب او می‌آمدند و از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن امتها را بزند و آن‌ها را به عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود... و دیدم فرشته را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی مرغانی را که در آسمان پرواز می‌کنند ندا کرده می‌گوید: بیایید و به جهت ضیافت عظیم خدا



ایجاد حکومت حقّه الهیه و برافکندن بنیاد اهریمنان، به ناچار مدتی از انظار مردمان غایب خواهد گردید و خداوند عالم آن یگانه مظهر نور الهی و منجی انسانیت را از دیدگان اشرار و شیاطین جَنّی و انسی مخفی و مستور نگه خواهد داشت تا در یک زمان نامعلومی - آنگاه که خواست خداوند است - از پشت پرده غیبت ظاهر شده، با «عصای آهنین» بر بشریت حکومت کند.

این نتیجه با تفصیلی که در نویده‌های انبیای گذشته و قرآن کریم و روایات اسلامی آمده است روشن می‌سازد که مکاشفه یوحنا ی لاهوتی در بشارت فوق، مربوط به موعود کل ملل حضرت محمد بن الحسن العسکری (عجل الله تعالی فرجه و شریفه) است که به هنگام ظهور با شمشیر قیام خواهد کرد و با عصای آهنین حکمرانی خواهد نمود.

اینک برای روشن شدن مطلب به توضیحی که در این زمینه می‌آوریم، توجه فرمایید: «مقصود از آن زن که در مکاشفه فوق، مادر شخص مورد بشارت معرفی شده که خورشید پوشیده و ماه زیر پایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره بود، مادر پاک گهر حضرت مهدی (عج) نرجس خاتون است و خورشید، پدر والا گهرش حضرت امام حسن عسکری (ع) است که تمامی انوار درخشان آسمان نبوت و امامت را بر رحم پاک نرجس بتابید، تا برجسته ترین نماینده و آئینه تمام نمای آنان را از وی نمودار سازد و فرزندی بیاورد که مجمع همگی آن انوار و حامل لوای انقلاب جهانی گردد. و مقصود از ماه (که در زیر پای هایش بود)، حکیمه خاتون عمه حضرت امام حسن عسکری (ع) است که به هنگام ولادت حضرت مهدی (عج) قابله نرجس خاتون بوده و آماده گرفتن آن مولود مسعود بوده و بر این عمل دقیقه شماری می‌کرده است.

و دوازده کوکب درخشان که بر تاج پر افتخار نرجس تالگو می نمودند حضرت خاتم الانبیاء (ص) و دختر یگانه اش صدیقه طاهره (ع) و ده امام (علی بن ابی طالب (ع) تا علی بن محمد الهادی (ع)) می باشند که مقام شامخ سلطنت و زعامت روحانی و جهانی حضرت مهدی (عج)، مرکب از این انوار و مؤسس بر این بنیانهای رفیع آسمانی و ملکوتی است.

و آن اژدهای بزرگ آتشین، دستگاه شیطان و پیروان اوست که همیشه آماده ویران ساختن کاخ رفیع ادیان و نابود کردن انبیا و اولیای الهی بوده و می باشد و چنان که اشاره شده وی پیش از ولادت آن موعود جهانی، با دمش یک سوم ستارگان آسمان را جاروب کرده بود و اکنون به هوس نابود ساختن پرچمدار عدل جهانی که مجمع تمامی ستارگان آسمان ولایت است، افتاده است. آری! همین بود که پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) با لباس خلافت و از مجرای حکومت اسلامی جلوه نموده، و به وسیله نوکرش «قنفذ» که به شدت پهلوی دختر نازنین پیامبر را مضروب ساخته و طفل معصومش «محسن» را ساقط و شهید کرد «ثلث کواکب آسمان را جاروب نمود» و سومین فرزند ذکور وی را که بایستی در آینده پدر گروهی دیگر از ذریه پیامبر گردد، بکشت.

و همین شیطان در زمان ولادت حضرت مهدی (عج) در لباس خلفای عباسی، به ویژه معتمد و معتصم عباسی که در عصر حضرت امام حسن عسکری (ع) بودند، جلوه نموده، با کمال اهتمام به هوس نابود ساختن آن یگانه مولود مسعود جهانی افتاده بود.

چنانچه بر حسب شهادت تواریخ و آثار، نامبردگان جاسوس هایی بر حرم محترم آن حضرت گماشته بودند که اگر فرزند ذکوری از

آن حضرت پدید شد حکومت وقت را آگاه سازند تا در نابود ساختن وی اقدام نمایند.

وی چنان که در آیات مکاشفه فوق اشاره شد اراده حتمی الهی، آن زن و طفلش را از هرگونه آسیب در امان داشت و دستگاه جاسوسی و کنجکاوی اهریمنان که همچون سیل به هر سو روان کرده و برای غافلگیر ساختن آن موعود جهانی شب و روز به کار بوده، سودی نبخشید» (سید اسدالله هاشمی شهیدی، همان، ص ۳۴۳ و ۳۴۴)

در بشارت یوحنا که در مکاشفات او ثبت گردیده است باز هم از فردی سخن گفته می‌شود که با ویژگیهای خاص و منحصر به فرد برای نجات همه انسانهای ستم دیده می‌شتابد و انتقام همه آنها را از ظالمان زمان می‌ستاند و جهان را پر از عدل و داد می‌گرداند و هیچ کس در زمان حکومت حقّه او جرأت ظلم و ستم بر کسی را پیدا نمی‌کند.

در اناجیل حتی به علائم و نشانه هایی که قبل از ظهور مصلح جهانی اتفاق می افتد اشاره می‌شود و حتی تعدادی از آن نشانه ها را نام می‌برد که به بسیاری از آنها در روایات اسلامی تصریح شده است.

این فراز با روایات اسلامی وجوه مشترک فراوانی دارد که از آن جمله است:

۱. نزول حضرت عیسی (ع)

۲. صیحه آسمانی

۳. زنده شدن گروهی از افراد صالح

۴. آمدن او بر فراز ابر

۵. ربوده شدن یاران حضرت ولی عصر (عج) از محرابها و رختخوابهای خود، انتقال یافتن آنها بر فراز ابرها، همه این موارد در احادیث اسلامی آمده و با این فقرات انجیل دقیقاً منطبق است» (همان، ص ۳۴۶، ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، قم، صدوق، ۱۳۷۶ش، باب ۱۸، ج ۱، ص ۳۱۰، ابن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، مترجم پهلوان، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ش، ج ۱، باب ۲۴، ح ۲۷، ص ۵۲۴) ادامه دارد...

مروری بر زندگی شهید حسن طهرانی مقدم



طرحی که حسن طهرانی مقدم به عنوان یک خمپاره چی ساده روی کاغذ نوشته بود و دست حسن باقری داده بود، فراتر از این چیزها بود. پیشنهادش به پرتاب خمپاره ربطی نداشت. حرفش این بود که یک دست صدا ندارد و پرتاب خمپاره‌ها باید هدفمند و با هم باشد. خمپاره‌ها باید فرماندهی آتش داشته باشند. حسن طهرانی مقدم ۶ آبان ماه ۱۳۳۸ در محله سرچشمه تهران متولد شد. به علت شغل پدرش (محمود طهرانی مقدم)، که به پیشه خیاطی مشغول بود، به محله شکوفه و سپس به محله بهارستان نقل مکان کرد و مقاطع ابتدایی و دبیرستان را در همین مناطق گذراند.

قبولی در دانشگاه در مقطع کاردانی؛ ۱۳۵۶

حاج حسن طهرانی مقدم پس از پایان دوره تحصیلات متوسطه در رشته صنایع (برش قطعات صنعتی) در مقطع فوق دیپلم مدرسه عالی تکنیکوم نفیسی پذیرفته شد. همزمان با اوج‌گیری فعالیت انقلابی،



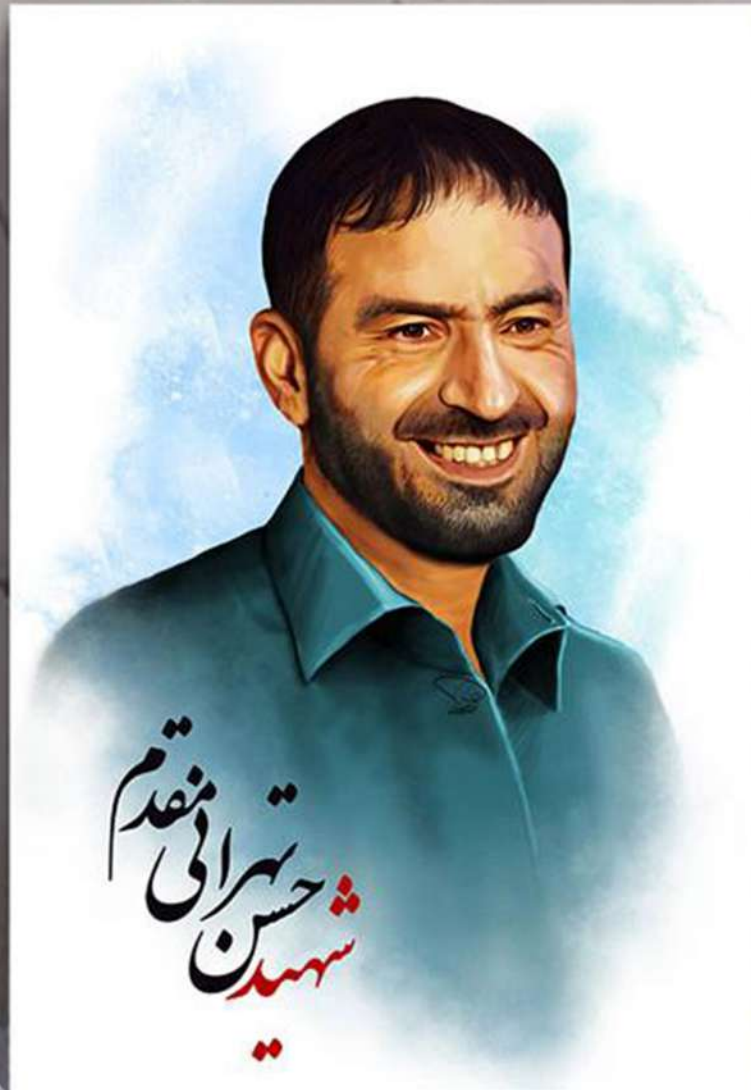
تحت تاثیر برادرش (محمد) به صف انقلابیون پیوست. او در روزهای منجر به پیروزی انقلاب به اتفاق دوستانش در فعالیت‌های زیرزمینی، نارنجک‌های دستی می‌ساخت که با استفاده از سه راهی لوله آب تولید می‌شد. شب ۲۲ بهمن در میدان امام حسین (فوزیه سابق) با پرتاب نارنجک دستی، یک خودروی نظامی ارتش را مصادره کرد و سرهنگ سوار بر خودرو را به اسارت درآورد.

اخذ مهندسی صنایع؛ ۱۳۵۸

حسن طهرانی مقدم در سال ۱۳۵۸، در مقطع لیسانس رشته مهندسی صنایع پذیرفته و به اخذ مدرک مهندسی در این رشته موفق شد. او در ۲۱ سالگی و در ابتدای شکل‌گیری رسمی سپاه پاسداران، به عنوان مسئول اطلاعات منطقه‌ی ۳ سپاه شمال، مشغول به فعالیت شد و تا ۵۹/۷/۳۱ در این سمت باقی ماند. در زمان بروز ناآرامی‌ها در نقاط مرزی که مهم‌ترین آنها حوادث تجزیه طلبانه در کردستان بود، سپاه را در ۱۵ ماه اول عمر خود متوجه ضرورت تقویت صبغه نظامی کرد. با این رویکرد تا شهریور ۱۳۵۹ که کشور در آستانه هجوم رژیم بعث عراق قرار گرفت، حداکثر توان رزمی سپاه، تعداد معدودی گردان‌های رزمی بود که با روش‌های چریکی و غیر کلاسیک، درگیر مبارزه با اشراک و ضد انقلابیون مسلح در کردستان شدند. سنگین‌ترین سلاحی که در آن دوران در اختیار سپاه بود، تعدادی خمپاره‌انداز و آرپی‌جی و تیربار بود، در حالی که در همین وضعیت، ضد انقلابیون در کردستان، حتی به توپخانه نیز مجهز بودند. شاید آمار کل سلاح‌های سپاه در آن مقطع از چند هزار تفنگ ژ۳، کلت، آرپی‌جی و ده‌ها قبضه خمپاره‌انداز تجاوز نمی‌کرد.

استعدادی که کشف شد

طهرانی مقدم که در اولین روزهای تشکیل سپاه پاسداران، به عضویت این نهاد درآمد بود نخستین کسی که در جبهه حسن



طهرانی مقدم را کشف کرد، حسن باقری بود. آن زمان‌ها حسن یک جوان لاغر و ریزنقش بود که توی چند ماهی که داخل آبادان در محاصره بودند و بعدش، توی سوسنگرد و دهلاویه، فقط با خمپاره کار کرده بود. هر چند که از قبل، کار با مین و این‌ها را بلد بود و می‌توانست برود واحد تخریب، ولی کشیده شده بود سمت ادوات و خمپاره. کمبود امکانات آن‌قدر او را نکته‌سنج و وسواسی کرده بود که به سرعت، نبض دیده‌بانی و خمپاره آمده بود دستش، با کمترین خطا، بهترین گرا و موفق‌ترین پرتاب. اما طرحی که به عنوان یک خمپاره چی ساده روی کاغذ نوشته بود و دست حسن باقری داده بود، فراتر از این چیزها بود. پیشنهادش به پرتاب خمپاره ربطی نداشت. حرفش این بود که یک دست صدا ندارد و پرتاب خمپاره‌ها باید هدفمند و با هم باشد. خمپاره‌ها باید فرماندهی آتش داشته باشند. در دوران جنگ ایران و عراق، نخستین فرمانده توپخانه سپاه و بنیانگذار واحد توپخانه در سپاه بود.

پس از جنگ

پس از آن طهرانی مقدم مسئولیت واحد توپخانه را به حسن شفیع‌زاده واگذار کرد، به یگان موشکی سپاه پاسداران رفت و مسئولیت این یگان را برعهده گرفت. او همچنین در تشکیل و بنیان‌گذاری فرماندهی موشکی سپاه تأثیرگذار بود. حسن طهرانی مقدم با پایان جنگ، وارد حوزه تحقیقات و توسعه فعالیت‌های موشکی در سپاه پاسداران شد و مسئولیت ریاست سازمان جهاد خودکفایی سپاه را برعهده گرفت.

شهادت

سردار حسن طهرانی مقدم تا روز آخر عمر نیز به عنوان مسئول این سازمان در ایجاد یک توان علمی و دانشی پایه و زیر بنایی مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود و در روز شهادتش (۲۱ آبان ۱۳۹۰) در پادگان امیرالمومنین (ع) شهرستان ملارد در حالی که برای آزمایش موشکی آماده می‌شد، بر اثر انفجار زاغه مهمات، به یاران شهیدش (احمد کاظمی، حسن شفیع‌زاده، حسن غازی، غلامرضا یزدانی، علیرضا ناهیدی، مصطفی تقی‌خواه و...) پیوست.

اللهم الرزقنا الشهاده فی سبیلک

تدوین: زهرا سادات حسینی



در سینه

صحیفه سجادی

چکیده

بهترین و مطمئن‌ترین الگوها، کامل‌ترین آن‌هاست؛ و اگر در کامل بودن الگویی تردید وجود داشته باشد، نمی‌توان از آن استفاده کرد؛ بنابراین اهل بیت (علیه السلام) از آن جهت که دارای صفات و ویژگی‌های کمال و جمال الهی هستند بهترین و کامل‌ترین الگو برای هدایت انسان‌ها به شمار می‌آیند این گروه مقدس دارای ویژگی‌ها و حقوقی هستند که ایشان را از سایرین متمایز می‌سازد و آنان را شایسته امامت و هدایت امت اسلامی می‌سازد. از جمله حقوق ایشان از قبیل: صلوات، رعایت ادب، توسل، ولایت، مقدم دانستن ایشان، تولی و تبری است. از جمله میراث‌های ارزشمند مکتوب شیعی صحیفه سجادیه است. محقق در این نوشتار بر آن است تا حقوق اهل بیت (علیه السلام) را استخراج نماید و پیش از استفاده از آن با استناد به کلام امام سجاد (علیه السلام) به معرفی دایره اهل بیت (علیه السلام) اقدام نماید به همین جهت شناخت حقوق اهل بیت (علیه السلام) امری مهم و ضروری است؛ اما در میان انسان‌ها افرادی هستند که نسبت به این حقوق شناختی ندارند. واژگان کلیدی: اهل بیت (علیه السلام)، الگو، حقوق، صحیفه سجادیه مقدمه

پیمودن مسیر حیات برای انسان بی‌تردید خالی از موانع و مشکلات نیست در این میان آدمی به افرادی به عنوان هادیان معصوم و عالم نیازمند است تا موانع هدایت را برداشته و زمینه تکامل انسان را فراهم آورند. خداوند متعال مطابق با قاعده‌ی لطفش ابتدا پیامبران و سپس ائمه معصومین (علیهم السلام) را برای هدایت انسان و نجات از ضلالت فرستاد. این گروه مقدس دارای خصائص و ویژگی‌هایی هستند که ایشان را از سایرین متمایز می‌سازد؛ آنان را شایسته‌ی امامت و هدایت امت اسلامی می‌سازد. در نظام حقوقی اسلام، حق خداوند مبنای پایه سایر حقوق است. حقوق اهل بیت (علیهم السلام) نیز صبغه‌ی الهی دارند. خداوند با توجه به جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) در

بسم الله الرحمن الرحيم
«وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» انعام / ۱۰
و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبان گیر ریشخند کنندگان ایشان گردید.

آیات قرآن کریم خود گواه بزرگی است که استهزا اولیای خدا از همان ابتدای امر رسالت رسولان وجود داشته و از همان زمان بودند افراد بی‌خرد و کوردل که فکر می‌کردند با این اعمال می‌توانند مانع روشنگری انوار الهی شوند؛ و خداوند چه زیبا فرمودند که آنچه را ریشخند می‌کردند گریبان گیرشان شد...!
در این زمان هم گاه و بی‌گاه خبر این دست اهانت به مقدسات به گوش می‌رسد که اگر از همان ابتدا برخورد مناسب با هتکار شکن‌ها صورت می‌گرفت، دیگر شاهد این حرمت شکنی‌ها و جریحه دار شدن قلوب عاشقان اهل بیت علیهم السلام نبودیم.

ما طلاب، اساتید و کادر حوزه‌های علمیه خواهران به عنوان مبلغین امور دینی این بی‌حرمتی را محکوم می‌کنیم از مراجع قضایی و مسئولان مربوطه مطالبه‌ی جدی داریم تا برخوردی فوری و مناسب با این فرد منافق صورت دهند. تا هم مرهمی بر دل داغ دیده مؤمنین شود و هم درس عبرتی برای دشمنان و هتاکان مقدسات این سرزمین.

این مقاله در جوابیه بی‌خردان و منافقین و معاندانی است که برخی از آنان توهین و هتاک به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) و بانوی آسمانی حضرت خدیجه (س) را یک امر عادی و ساده انگاشتند بنابراین به منظور تودهنی، دفاع و روشنگری از جایگاه آنان مطالعه این مقاله به همه خوانندگان توصیه می‌شود.

هدایت بشر، حقوقی را برای آن بزرگواران تشریع کرده است. به این معنا که حقوق اهل بیت (علیهم السلام) شعبه‌ای از خداوند است. اهل بیت (علیهم السلام) رسالتی دارند که باید در چارچوب ارزش‌های اسلامی، مصالح انسان‌ها را تأمین و آن‌ها را به راه راست هدایت کنند. اگر انسان‌ها حقوق اهل بیت (علیهم السلام) را به خوبی بشناسند و رعایت کنند، جامعه بشری روند تکاملی خود را به سوی هدف نهایی (تقرب الی الله) طی خواهد کرد. ویژگی‌هایی از قبیل: علم و عصمت علاوه بر کلام وحی در متون روایی و ادعیه و مناجات‌ها و زیارات نیز از آن جنابان سخن به میان آمده از جمله میراث‌های مکتوب ارزشمند شیعی صحیفه سجاده (اخت القرآن) است.

مفهوم شناسی

در ابتدای این تحقیق مفاهیم واژگان مهم از نظر لغوی و اصطلاحی پرداخته شده است و بعد از آن وارد چارچوب اصلی تحقیق شده است.

«واژه حق، واجب شدن، راست گردیدن، به ثبوت پیوستن، ثابت، آنچه مطابق واقع است، روا، شایسته». (حسینی دشتی، معارف و معاریف، ج ۴، ص ۵۸۵) واژه‌ی اهل به معنای خانواده، خاندان، در قاموس آمده است: «اهل مرد، عشیره و اقربای اوست». (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۳۵)

راغب اصفهانی کلمه «بیت» را این‌گونه معنی کرده است: اصل بیت، جایگاه و پناهگاه انسان در شب است؛ زیرا می‌گویند بات، یعنی در شب اقامت گزید و ساکن شد. سپس به مسکن و خانه بدون در نظر گرفتن تعبیر شب، بیت گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۳۳۰)

حقوق اهل بیت (علیهم السلام) از منظر صحیفه سجاده

شناخت اهل بیت (علیهم السلام) یک الزام واجب در حیات طیبه انسانی است؛ زیرا آنان از جایگاه رسالت و آمدوشد فرشتگان برخاسته‌اند و معادن علم و دانش‌اند. در جهان بینی توحیدی انسان در حرکت تکاملی خود به هدایت مستمر نیازمند است تا از مراحل نقصان به مراحل عالی‌تری برسد. لذا شناخت حقوق اهل بیت (علیهم السلام) که فروغ هدایت و کشتی نجات و راهبران دین و دنیای مردم هستند یکی از الزامات زندگی ما انسان‌هاست. از جمله حقوق اهل بیت (علیهم السلام) عبارتند از:

یکی از مهم‌ترین حقوق اهل بیت (علیهم السلام) صلوات فرستادن بر ایشان است و درود فرستادن بر ایشان و امامان معصوم (علیهم السلام) و توجه و توسل به مقامات آنان مایه پاکی از تیرگی‌های نفسانی است.

صلوات بر اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از مهم‌ترین حقوق اهل بیت (علیهم السلام) صلوات فرستادن بر ایشان است و درود فرستادن بر ایشان و امامان معصوم (علیهم السلام) و توجه و توسل به مقامات آنان مایه پاکی از تیرگی‌های نفسانی است. در برخی از دعاها نیز در اواسط دعا صلوات فرستاده شده؛ زیرا ائمه اطهار (علیهم السلام) معتقدند صلوات، ذکر برآورده شدن حاجت است و در هر دعایی که صلوات فرستاده شود، اجابت آن دعا از سوی خدا

حتمی است. تمام دعا‌های صحیفه سجاده با صلوات آغاز یا پایان می‌یابد. امام سجاد (علیه السلام) در فرازی از صحیفه سجاده چنین می‌فرماید: «فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ؛ پس بر محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاکیزه و پاک نهاد او درود فرست». (درایتی، صحیفه سجاده، دعای ۲۴۲، فراز ۴)

صلوات جمع صلوات از ریشه «صلو» به معنای خواندن و ستایش نیکو همراه با بزرگداشت است. (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۶، ص ۲۳۷) خداوند متعال در سوره احزاب آیه ۵۶ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا؛ خدا و فرشتگانش بر (روان پاک) این پیغمبر صلوات و درود می‌فرستند شما هم ای اهل ایمان، بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گویند و تسلیم فرمان او شوید.

علامه طباطبایی (رحمه الله علیه) در تفسیر المیزان در ذیل این آیه بر این باورند که معنای صلوات خدا و ملائکه و مؤمنین بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در اصل به معنای انعطاف بوده و صلاه خدا بر پیغمبر به معنای انعطاف او به وی است به وسیله رحمتش، البته انعطافی مطلق، چون در آیه شریفه صلوات را مقید به قیدی نکرده و همچنین صلوات ملائکه او بر آن حضرت انعطاف ایشان است بر وی به اینکه او را تزکیه نموده و برایش استغفار کنند و صلوات مؤمنین بر او انعطاف ایشان است به وسیله درخواست رحمت برای او و اینکه قبل از امر به مؤمنین که بر او صلوات بفرستید تحیت صلوات خود و ملائکه خود را ذکر کرده، دلالتی هست بر اینکه صلوات مؤمنین بر آن جناب به پیروی خدای سبحان و متابعت ملائکه اوست و این خود نهی آینده را تأکید می‌کند. از طریق شیعه و سنی هم روایت بسیار زیادی رسیده، در اینکه طریق صلوات فرستادن مؤمنین بر آن جناب این است که از خدا بخواهند بر او و آل او صلوات بفرستند. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۲۹)

از دیگر حقوق اهل بیت (علیهم السلام) رعایت ادب نسبت به ایشان است. در اسلام همه چیز دارای قداست است و ریشه‌ی این قداست وابستگی آن به ذات مقدس خداوند است.

رعایت ادب نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

از دیگر حقوق اهل بیت (علیهم السلام) رعایت ادب نسبت به ایشان است. در اسلام همه چیز دارای قداست است و ریشه‌ی این قداست وابستگی آن به ذات مقدس خداوند است و هر چه این وابستگی بیشتر، قداست هم بیشتر است و ما باید احترام آن را حفظ کنیم از جمله‌ی این مقدسات اهل بیت (علیهم السلام) هستند که دارای مقام مخصوصی هستند که باید به مراعات آداب در محضر آنان توجه داشت. در قرآن کریم به برخی از آداب برخورد با اهل بیت (علیهم السلام) اشاره شده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» ای اهل ایمان، فوق صوت پیغمبر صدا بلند نکنید و بر او فریاد بر مکشید چنانکه با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، که

اعمال نیکتان (در اثر بی ادبی) محو و باطل شود و شما فهم نکنید.» (حجرات: ۲)

مکارم شیرازی در تفسیر این آیه چنین نظری دارند که ادب برترین سرمایه است. در اسلام اهمیت زیادی به مسئله رعایت آداب و برخورد همه با احترام و ادب با همه کس و هر گروه وارد شده است. به همین دلیل هنگامی که در زندگی پیشوایان بزرگ اسلام دقت می‌کنیم، می‌بینیم دقیق‌ترین نکات مربوط به ادب را حتی با افراد کوچک رعایت می‌کردند. اصولاً دین، مجموعه‌ای است از آداب: ادب در برابر خدا، ادب در برابر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیشوایان معصوم (علیهم السلام)، ادب در برابر استاد، معلم، پدر و مادر، عالم و دانشمند، حتی دقت در آیات قرآن مجید نشان می‌دهد، خداوند با آن عظمت مقام هنگامی که بندگان خود سخن می‌گوید، آداب را کاملاً رعایت می‌کند.

در مورد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز این موضوع تا آن حد مهم است که قرآن صریحاً در آیات فوق می‌فرماید: صدا را بلندتر از صدای پیامبر کردن و در مقابل او جار و جنجال راه انداختن موجب حبط اعمال و از بین رفتن ثواب است. جالب اینکه قرآن کریم در این آیه رعایت ادب در برابر پیامبر اکرم (ص) را نشانه‌ای پاک‌ی قلب و آمادگی آن برای پذیرش تقوا و سبب آموزش و اجر عظیم می‌شمرد، در حالی که بی‌ادبان را همچون چهارپایان بی‌عقل، معرفی می‌کند. حتی برخی از مفسران، آیات مورد بحث را توسعه داده و گفته‌اند: مراحل پایین‌تر مانند: علماء، دانشمندان و رهبران فکری و اخلاقی را نیز شامل می‌شود، مسلمانان مؤلفند در برابر آنها نیز آداب را رعایت کنند. البته، در برابر امامان معصوم (علیهم السلام) این مسئله روشن‌تر است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۴۲ و ۱۴۴)

رعایت ادب نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) به آن اندازه مهم است که حضرت ما را به آن سفارش کرده‌اند تا فرزندانمان را با محبت و احترام نسبت به ایشان و خاندان پاکشان تربیت کنیم.

در روایتی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: حُبِّ نَبِيِّكُمْ وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ» فرزندان خود را بر سه خصلت تربیت کنید: دوست داشتن پیامبرتان، دوست داشتن اهل بیت او و خواندن قرآن. (شوشتري، احقاق الحق و ازهاق الباطل، ص ۴۹۸) رعایت ادب نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) به آن اندازه مهم است که حضرت ما را به آن سفارش کرده‌اند تا فرزندانمان را با محبت و احترام نسبت به ایشان و خاندان پاکشان تربیت کنیم.

توسل به اهل بیت (علیهم السلام)

توسل و استغاثه سیره‌ی دائمی بزرگان و صلحا و علمای شیعه بوده است و بر این اساس محبت اهل بیت رسالت می‌تواند یکی از بهترین وسیله‌هایی باشد که خدا ما را به تمسک آن فرا خوانده است و یکی از راه‌هایی است که انسان را به سوی خدا راهنمایی و رهبری می‌کند و انسان با توسل و تمسک به کسانی که محبوب خدا هستند مانند پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام)

به تقرب خدا دست می‌یابد از این رو امام سجاد (علیه السلام) در موارد متعددی از دعای صحیفه سجادیه به پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) متوسل شده و در یکی از دعاهايش این گونه می‌فرماید: «إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رَسُولِكَ وَ بَعْلَى وَ صَبِيٍّ وَ فَاطِمَةَ ابْنَتِهِ وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ» خدایا، ما متوسل می‌شویم به درگاهت با محمد رسول تو و با علی وصی او و فاطمه دختر او و با حسن و حسین ... اهل بیت رحمت. (درایتی، فرهنگ موضوعی صحیفه سجادیه جامعه، دعای ۸۷، فراز ۸)

در حدیثی قدسی آمده است: «أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَيَّ وَ أَفْضَلَهُمْ لَدَيَّ مُحَمَّدٌ وَ أَخُوهُ عَلِيُّ وَ مِنْ بَعْدِهِ الْأَئِمَّةُ الَّذِينَ هُمْ الْوَسَائِلُ إِلَى اللَّهِ» بدانید که گرامی‌ترین خلق در نزد من افضل‌ترین آنها در نزد محمد و برادرش علی می‌باشد و بعد از علی هم امامانی هستند که آنها وسیله شما انسانها نزد خداوند می‌باشند. (مجلسی، الکافی، ج ۲۲، ص ۶۹)

به نص صریح خداوند، معصومین (علیهم السلام) وسیله و حلقه رابط میان انسان و خداوند متعال می‌باشند و قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. (مانده: ۳۵)

در تفسیر نمونه درباره‌ی این آیه چنین بحث شده است «وسيله» در اصل به معنی تقرب جستن و یا چیزی که باعث تقرب به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود، می‌باشد؛ بنابراین وسیله در آیه فوق معنی بسیار وسیعی دارد که شفاعت پیامبران، امامان و بندگان صالح خدا که طبق صریح قرآن باعث تقرب به پروردگار می‌گردد، همه در مفهوم وسیع توسل داخل است؛ و همچنین پیروی از پیامبر و امام و گام نهادن در جای گام آنها؛ زیرا همه اینها موجب نزدیکی به ساحت قدسی پروردگار می‌باشد، حتی سوگند دادن خدا به مقام پیامبران و امامان و صلحا که نشانه علاقه به آنها و اهمیت دادن به مقام و مکتب آنان می‌باشد، همه جز این مفهوم وسیع است. (مکارم شیرازی، نمونه، ج ۳، ص ۳۱۴ و ۳۶۵)

محبت زمانی کارساز است که همراه با پیروی و اطاعت باشد. کسی که بر اهل بیت (علیهم السلام) معرفت پیدا کند قطعاً نسبت به آنها محبت پیدا می‌کند، محبتی که قطعاً با تبعیت همراه خواهد بود.

واجب دانستن اطاعت و ولایت اهل بیت (ع) و به کار بستن اوامر و فرائض آنها

محبت زمانی کارساز است که همراه با پیروی و اطاعت باشد. کسی که بر اهل بیت (علیهم السلام) معرفت پیدا کند قطعاً نسبت به آنها محبت پیدا می‌کند، محبتی که قطعاً با تبعیت همراه خواهد بود. از این رو امام العارفین در فرازی از دعاهاى خود چنین می‌فرماید: «وَ قَرُضْتُ طَاعَتَهُمْ وَ وَلايَتَهُمْ» و واجب کردی اطاعت و ولایتشان را. (درایتی، همان، دعای ۱۱۳، فراز ۵) «وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ سَامِعِينَ وَ مُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ» و ما را سامع و مطیع آنها قرار ده همان گونه که خود امر کرده‌ای. (همان، همان، دعای

وَالْمُؤْمِنَاتُ يَعْصُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٌ... وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛... و خدا و رسولش را اطاعت می کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد؛ خداوند توانا و حکیم است. (توبه: ۷۱)

مفسر گرانقدر مکارم شیرازی در ذیل این آیه بر این باورند که در آیه مورد بحث علائم و نشانه های مردان و زنان با ایمان بیان شده است؛ آیه از اینجا شروع می شود که می فرماید: «مردان و زنان با ایمان دوست و ولی و یار و یاور یکدیگرند.» پس از بیان این اصل کلی به شرح جزئیات صفات مؤمنان می پردازد. (مکارم شیرازی، همان، ج ۸، ص ۳۶-۳۷)

در آیات و روایات اهمیت زیادی به تولی و تبری داده شده است به گونه ای که مهم ترین دستگیره ایمان و اساس اسلام دانسته شده است و حتی در برخی از روایات از نماز و روزه و زکات و جهاد در راه خدا بالاتر دانسته شده است.

تولی و تبری خمیر مایه و محور اصلی هدایت و ضلالت انسان ها به شمار می آید و از دیگر حقوق اهل بیت که در کنار تولی و دوست داشتن دوستان آنهاست تبری و دوری از دشمنان اهل بیت (علیه السلام) است.

دوری از دشمنان اهل بیت (علیه السلام) و لعنت کردن کسی که به آنها ظلم می کند (تبری)

تولی و تبری خمیر مایه و محور اصلی هدایت و ضلالت انسان ها به شمار می آید و از دیگر حقوق اهل بیت که در کنار تولی و دوست داشتن دوستان آنهاست تبری و دوری از دشمنان اهل بیت (علیه السلام) است. از این رو امام زین العابدین (علیه السلام) در فرازی این گونه به خداوند عرضه می دارند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى وَلِيَّهُمْ وَأَتَبَرَّأُ إِلَيْكَ مِنْ عَدُوِّهِمْ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَطَاعَتِهِمْ» پروردگارا! همانا من دوستدار و دوست آنان هستم و به وسیله تو از دشمن آنان بیزاری می جویم و به سبب محبت، دوستی، علاقه و اطاعت آنان به سوی تو نزدیکی می جویم. (درایتی، همان، دعای ۱۸۱، فراز ۵) با جست و جو در آیات قرآن مجید به این آیه برمی خوریم که می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است. (احزاب: ۵۷)

در تفسیر نمونه، این آیه این گونه تفسیر شده است که منظور از ایذاء پروردگار به گفته بعضی ها همان کفر و الحاد است که خدا را به خشم می آورد، چرا که آزار در مورد خداوند، جز ایجاد خشم مفهوم دیگری نمی تواند داشته باشد. این احتمال نیز وجود دارد که ایذاء خداوند همان ایذاء پیامبر و مؤمنان است و ذکر خداوند برای اهمیت و تأکید مطلب است.

اما ایذاء پیامبر اسلام مفهوم وسیعی دارد و هرگونه کاری که او را آزار دهد شامل می شود، اعم از کفر و الحاد و مخالفت دستورات خداوند، همچنین نسبت های ناروا و تهمت و یا ایجاد مزاحمت؛ از روایات چنین استفاده می شود که آزار خاندان پیامبر

مطابق با روایات وارد شده بر ائمه اطهار (علیهم السلام) که در کتب فریقین آمده، آیات بسیاری از قرآن دلالت بر ولایت و اطاعت ائمه معصومین دارد که در اینجا به ذکر یک نمونه می پردازیم: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند؛ همان ها که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع، زکات می دهند. (مائده: ۵۵)

مفسر گرانقدر مکارم شیرازی درباره ی این آیه بر این باور است که این آیه با کلمه «انما» که در لغت عرب به معنی انحصار می آید شروع شده و می گوید: «ولی و سرپرست و متصرف در امور شما سه کس است: خدا و پیامبر و کسانی که ایمان آورده اند و نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.» منظور از «ولی» در آیه فوق ولایت به معنی، سرپرستی و تصرف و رهبری مادی و معنوی است. (مکارم شیرازی، نمونه، ج ۴، ص ۴۲۳-۴۲۴)

مقدم دانستن اهل بیت (علیه السلام) در همه امور

یکی از مهم ترین حقوق اهل بیت پیشی نگرفتن از ایشان است که ایجاب می کند در برابر رهبران بزرگ الهی در هیچ کار، هیچ سخن و برنامه ای بر آنها پیشی نگیریم از این رو امام ساجدین در فرازی از صحیفه سجاده چنین می فرماید: «الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارَقٌ، وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ» هر که بر ایشان تقدم جوید از دین بیرون رفته و کسی که از ایشان عقب ماند به نابودی گراید. (درایتی، همان، دعای ۱۱۳، فراز ۲)

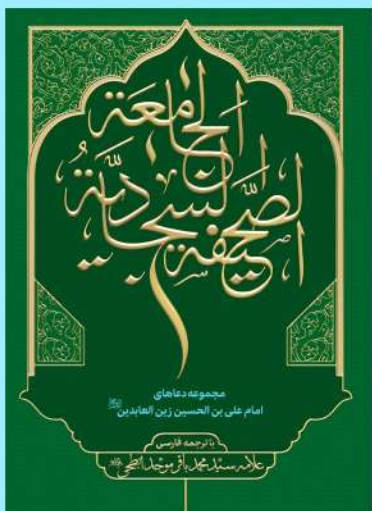
با جست و جو در آیات قرآن کریم به این آیه برمی خوریم که خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَمِيعٌ عَلِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست. (حجرات: ۱)

مفسر بزرگ علامه طباطبایی در این باره چنین سخنی دارند که تقدیم در این آیه به معنای تقدم است؛ یعنی اگر تقدیم در جاهای دیگر متعدی و به معنای جلو انداختن چیزی است در اینجا به معنای تقدم و جلو افتادن است و معنای آیه این است که از خدا و رسولش جلو نیفتید، قبل از امر و نهی خدا و رسول امر و نهی نکنید و قبل از دستور خدا و رسول هیچ کاری را فیصله ندهید و چه بسا گفته باشند که تقدیم در آیه همان معنای معروف کلمه است، لکن در اینجا با صرف نظر از متعلقاتش استعمال شده، در نتیجه معنایش همان معنای تقدم می شود، یعنی جلو قرار گرفتن چیزی از چیز دیگر و چون لفظ آیه مطلق است تمامی انحاء تقدم را می گیرد، تقدم در سخن، تقدم در عمل و حتی تقدم در راه رفتن، نشستن و تقدم در عبادت هایی که وقت معین دارد و تقدم های دیگر. (طباطبایی، همان، ج ۱۸، ص ۴۸۴)

دوست داشتن دوستان اهل بیت (علیه السلام) (تولی)

یکی دیگر از حقوق اهل بیت که به آن اهمیت زیادی داده شده است محبت به دوستان خداست که یکی از اوصاف شیعه بلکه یکی از تکالیف واجب هر مسلمان است؛ از این رو امام العارفین در صحیفه سجاده چنین عرضه می دارند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَلَّى وَلِيَّهُمْ» خدایا همانا من دوست دارم دوست داران اولیا را. (درایتی، همان، دعای ۱۸، فراز ۴۲)

در آیه ای از قرآن کریم خداوند متعال چنین می فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ



ما رسیده است؛ پس ایشان شایسته اکرام و احترام ویژه از طرف ماست. هرگونه تقدم و تأخر و گفتار و رفتار خودسرانه و خارج از دستور خدا و رسول خدا موجب بی انضباطی و هلاکت می شود و رعایت این انضباط الهی و اسلامی، نیاز به روح تسلیم کامل و پذیرش رهبری خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در همه شئون زندگی و ایمان محکم به مقام شامخ رهبر دارد؛ بنابراین به وسیله اهل بیت (علیهم السلام) است که انسان‌ها می‌توانند به کمالات واقعی و شکوفایی معنوی رهنمون شوند.

منابع

- (۱) قرآن کریم.
- (۲) صحیفه سجاده.
- (۳) ابن منظور، لسان العرب، محمد، لسان العرب، بیروت: انتشارات دار صادر، ج ۴، ۷۱۱ ه.ق.
- (۴) حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معاریف، تهران: انتشارات آرایه، چاپ اول، ج ۴، ۱۳۸۵ ش.
- (۵) درایتی، مصطفی، فرهنگ موضوعی صحیفه سجاده جامع، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۷ ش.
- (۶) شوشتری، نورالله، احقاق الحق و ازهاق الباطل، قم: انتشارات مکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۲ ش.
- (۷) طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، (موسوی، محمد باقر)، قم: انتشارات اسلامی، جلد ۵، ۱۶، ۱۸، ۹، ۱۳۷۸ ش.
- (۸) کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: انتشارات آرایه، جلد ۱ و ۴، ۱۳۶۳ ش.
- (۹) مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، جلد ۱، ۳، ۶، ۱۳۶۸ ش.
- (۱۰) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۳، ۴، ۸، ۱۷، ۲۲، ۱۳۵۳ ش.
- (۱۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، دمشق: انتشارات دارالعلم، جلد ۱، ۱۳۷۴ ه.ش.

زهرا اسماعیلیان

مخصوصاً حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز مشمول همین آیه بوده است؛ اما لعن در آیه فوق، به معنی دوری از رحمت خداست و این درست نقطه مقابل رحمت و صلوات است. در حقیقت، لعن و طرد از رحمت، آن هم از سوی خداوندی که رحمتش گسترده و بی پایان است بدترین نوع عذاب محسوب می‌شود؛ به خصوص که این طرد از رحمت هم در دنیا باشد و هم در آخرت و شاید به همین جهت مسئله لعن قبل از عذاب ذکر شده و تعبیر به «أَعَدَّ» دلیل بر تأکید و اهمیت این عذاب است. (مکارم شیرازی، همان، ج ۱۷، ص ۴۲۱ و ۴۲۳)

در قرآن کریم و روایات تجلی کامل این دوستی و دشمنی ولایت پذیری پیامبر اکرم و اهل بیت و بیزاری از دشمنان ایشان یاد شده است. اهمیت این امر چنان مهم است که هنگام احتضار پس از مرگ نیز این شعار دینی به محتضر و میت تلقین می‌شود.

**از دیگر حقوق اهل بیت (علیهم السلام)
زیارت قبور آن بزرگواران است که در
واقع تقدیر و قدردانی از هدایت‌گری و
زحمات طاقت فرسای ایشان و اذعان به
مقام والای ایشان در پیشگاه خداوند است؛**

زیارت قبور اهل بیت (علیهم السلام)

از دیگر حقوق اهل بیت (علیهم السلام) زیارت قبور آن بزرگواران است که در واقع تقدیر و قدردانی از هدایت‌گری و زحمات طاقت فرسای ایشان و اذعان به مقام والای ایشان در پیشگاه خداوند است؛ از این رو سید الساجدین در کتاب شریف صحیفه سجاده در فرازی این‌گونه از خداوند درخواست می‌کنند: «اللَّهُمَّ وَ اٰمِنُنَّ عَلٰی بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلٰی آلِهِ، وَ آلَ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» خداوند! بر من مَنّت گذار که موفق به حج و عمره و زیارت قبر رسولت و آل او- که درودت بر همه آنان باد- گردم.

به طور کلی می‌توان گفت شناخت حقوق اهل بیت (علیهم السلام) از مباحث راهبردی و سرنوشت ساز در عرصه اعتقادی و رفتاری انسان هاست. شناخت واقعی مبدأ و معاد (خدا و قیامت)، درک حقایق قرآن و سنت، نیل به خوش بختی و سعادت، مصونیت از بدبختی و شقاوت، آراستگی به فضایل و پیراستگی از رذایل، فقط در پرتو شناخت حقوق اهل بیت (علیهم السلام) و رعایت آن، امکان پذیر است. آنان چراغ هدایت، کشتی نجات، رهبران دین و دنیای مردم و در یک نگاه «جبل الله المتین» اند و تمسک به روش و منش ایشان دستور الهی است.

نتیجه گیری

امامی که واجب الاطاعت و حجت خدا بر تمامی اهل زمین است، نامش محترم و یادش بسیار گرامی است. او پیشوای همه و چشم بینای خدا در بین مخلوقات اوست. روزی اهل زمین به عین وجود اوست و هر کس که به مرتبه‌ای از مراتب کمال می‌رسد از پرتو عنایت حضرت حق است که از مسیر امامت به



سلام حضرت دوست

شهر شلوغ بود و پر آشوب

از هر طرف صدایی به گوش می‌رسید مبهم و نامفهوم.
های و هوی و چیزهای شبیه آن.

در میان این اصوات کثیر مردمی را می‌بینی آشفته حال که هر یک
سوی یکی از صداها را می‌گیرد و به دنبالش راهی و سمتش بدان
سو. اما پس چرا قدری نگذشته می‌ایستند؟ راه کج می‌کنند و
آشفته‌تر از پیش به گرد این جهان چرخ می‌زنند و چرخ؟

در و دیوار وجودش حک شده از الفاظی است که می‌بینی،
می‌خوانی، به خاطر می‌سپاری اما برای چه و چرایش معلوم
نیست. گویی تنها مامور شده‌ای به قبول آنچه که نمی‌دانی
چیست و از کجا آمده.

حتی بعضی از آدم‌ها هیچ نمی‌خوانند و هیچ نمی‌گویند تنها بر
تختی از هیچ‌ها تکیه زده‌اند و روزگار می‌گذرانند تکیه زده و بی‌هیچ.
راه را از بی‌راهه، بن بست را از غیر آن در کوچه و خیابان اینجا
نمی‌توان پیدا کرد. تابلویی در اینجا راهنمای تو نیست. و حتی
شاید انتهای همین خیابانی که سرش را باغبانی کرده‌اند گله‌ای
گرگ در انتظار باشد و گرسنه. تو هم بی‌خبر و تنها به دنبال
یک راه.

در گیر و دار شهر پر آشوب خانه‌ای

به چشم می‌خورد.

جان جلا می‌گیرد و چشم باز میشود.
این خانه، خانه‌ی توست و هر
آنکس که پای در آن بگذارد نظر
کرده‌ی تو...

نظر کرده‌ی تو؟

این سنگینی چیست که بر دوشم
نشست؟

و این شیرینی چیست که دم به دم
وجودم را گرفته؟

یک نگاه پسر فاطمه سلام الله علیها جهانم را بس!
فکر آنکه در شلوغی‌های شهر و هیچ و پوچ آن نگاهی به من
بیچاره کردی، دستم را گرفتی و به اینجا آوردی وجودم را زیر و
رو می‌کنی.

و اما من، چقدر فاصله است از آنچه باید و آنچه که کنون در من
جاری است؟

سربازی و نوکری شما مثل مردم شهر زندگی کردن را بر نمیدارد.
باید از شهر گریخت و به خانه ات پناه برد پسر فاطمه.

صاحب خانه! حالا ما در اینجا، در خانه‌ی تو به چشم خود
انسان‌هایی را می‌بینیم بس شریف و عزتمند که ذره ذره وجود
خود را صرف این مسیر حق می‌کنند. گویی دریافته‌اند که خرج
هرکس جز تو شدن خسارت است و هیچ.

روزها می‌آیند و نفس‌ها می‌زنند بهر تو، به عشق تو شاید ایشان
آن نگاه لطف تو را دم به دم احساس می‌کنند و می‌بینند.

و شاید اینکه استاد در کلاس می‌ایستد تنها به احترام توست.
در این مسیر الهی این استاد بود که دست مرا گرفت و پله پله و
گام به گام بالا کشید.

زمین می‌خوردم، لجبازی می‌کردم، دست دست می‌کردم و او را
معطل خود اما او با نهایت صبر و امید و نگاهی رو به جلو باز
می‌استاد و راهنمایم بود.

پسر فاطمه! تو خود اجر استاد را به وصال خودت در دامان پر
مهرش قرار بده که قدردانی از او در شان من نباشد.

یابن الحسن! نگاه استاد به سوی توست و از تو می‌خواهم در
لحظه لحظه زندگی ایشان یارشان باشی و راهنمایشان. همانطور
که ایشان مرا یار بود و راهنما...

نامه‌ای رسیده از بر دوست
خوانده نامه را حضرت استاد
گفته شاید نظری بکنیم
تو ببین چه وعده و میعاد

«اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوَلِيِّكَ الْفَرَجَ»

ریحانه اقبالی



شبهه



❖ سؤال: من بررسی کردم وضو بر روی لاک ناخن اشکال ندارد چون عرفاً شستن صدق می کند و لاک، چرک محسوب نمی شود.

- پاسخ

حجت الاسلام دکتر قربانی مقدم

هیچ شکی نیست که اسلام به نظافت و تمیزی اهمیت زیادی می دهد و آیات و روایات در این زمینه فراوان موجود است. با این حال در هیچ کجا نیامده است که فلسفه وضو، تمیز کردن دست و صورت است و اساساً برخی از اعمال وضو مانند مسح کشیدن هیچ نسبتی با تمیز کردن بدن ندارد.

این فرد معمومی که چنین ادعایی کرده، آیا روایات مربوطه را هم دیده یا خدای ناکرده صرفاً برای جلب نظر و کسب شهرت (و یا به منظور خوشایند افرادی که دوست دارند دین داری آنها با هوی و هوس شان منافات نداشته باشد) چنین نظری را بر زبان جاری کرده است؟

اگر کسی نظر اهل بیت را (و نه نظرات آمیخته با هوی و هوس را) بخواهد، باید در روایات درباره وضو تحقیق کند. با بررسی روایات معلوم می شود که رساندن آب به پوست بدن در هنگام وضو موضوعیت دارد (مگر اینکه مشکلی مانند زخم و جراحت در اعضای وضو وجود داشته باشد).

مثلاً امام صادق علیه السلام می فرمایند:

لا يجوز حتى يصيب بشره رأسه بالماء؛ وضو صحیح نیست، مگر آنکه آب با پوست سر برخورد داشته باشد.

نیز امام صادق علیه السلام در جواب سوال کسی که زخمی در دست او وجود داشته فرمودند:

إذا كان يؤذيه الماء فليمسح على الخرقه، وإن كان لا يؤذيه الماء فليتنزع الخرقه ثم ليغسلها؛

اگر رساندن آب به محل زخم اذیت کننده است، دست تر خود را بر روی پارچه (بانداز) بکشد، و گرنه باید پارچه را بردارد و خود دست را بشوید.

شبهه افکن می گوید: لاک ناخن چرک محسوب نمی شود که نیاز به شستن داشته باشد. اگر چنین باشد، نیازی به رساندن آب به زیر انگشت در هنگام وضو نیست زیرا انگشت هم مانند لاک، نه تنها چرک نیست، بلکه زینت محسوب می شود. در حالیکه طبق روایتی صحیح امام کاظم علیه السلام درباره کسانی که در دست آنها انگشت یا انگو و مانند آن وجود دارد می فرمایند:

إن علم أن الماء لا يدخله فليخرجه إذا توضأ؛

اگر می داند که آب به دست نمی رسد باید انگشت و... را از دست خارج کند. (وسائل الشیعه ج ۱ ص ۴۵۵ به بعد)

پر واضح است که در فقه شیعه باب تحقیق و پژوهش همیشه باز است. اما اولاً لازم است تحقیق علمی و روشمند صورت گرفته باشد، ثانیاً ابتدا در مجامع علمی طرح شود تا اشکالات آن تبیین و برطرف شود. اما طرح این مسائل در فضای مجازی این شائبه را به دنبال دارد که شخص به دنبال جلب توجه افشاری از جامعه است که دوست دارند برای اعمال بعضاً ناروای خود، توجیه دینی هم داشته باشند.

با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد



حوران بهشتی زده اندر حرمش صف
خیل ملک از نور، طبق‌ها همه بر کف
شاهان به ادب در حرمش گشته مشرف
اینجاست که تاج از سر هر تاجور افتاد
با آل علی هر که در افتاد، ورافتاد

اولاد علی شافع یوم عرصاتند
دارای مقامات رفیع الدرجاتند
در روز قیامت همه اسباب نجاتند
ای وای بر آن کس که به این آل در افتاد
با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد

کام و دهن از نام علی یافت حلاوت
گل در چمن از نام علی یافت طراوت
هر کس که به این سلسله بنمود عداوت
در روز جزا جایگهش در سقر افتاد
با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد

هرکس که به این سلسله پاک جفا کرد
بد کرد و نفهمید و غلط کرد و خطا کرد
دیدي که یزید از ستم و کینه چه‌ها کرد
آخر به درک رفت و به روحش شرر افتاد
با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد

ای قبله هفتم که تویی مظهر یاهو
ای حجت هشتم که تویی ضامن آهو
ما جمله نمودیم به سوی حرمت رو
از عشق تو در قلب و دل ما شرر افتاد
با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد

تا رأفت امام رئوف حضرت رضا علیه السلام با سازندگان فیلم
سینمایی (عنکبوت مقدس) که باهدف توهین به مقدسات شیعه
و امام رضا علیه السلام ساخته شده چه کند؟!

آیا می‌دانید ماجرای شعر مشهور:
”با آل علی هر که در افتاد ورافتاد“ چیست و این اثر از چه کسی
هست؟

این شعر را سید اشرف الدین حسینی (مدیر نشریه نسیم شمال)
خطاب به نیکلای اول سزار یا تزار روسیه سرود...

بعد از اینکه نیکلای فرمان داد که حرم مطهر رضوی (ع) گلوله
باران شود وگفت: حرم را زیر و رو می‌کنم تا ببینم چه کسی
جلوی من را می‌گیرد...

بحالت مستی توهین می‌کرد. دین و مذهب ما را نشانه می‌گرفت.
اما همان شب بطور نامحسوس و بطور معجزه گونه ای که هیچ
پزشکی علتش را نفهید به درک واصل شد. صبح که منتظر
دستورش بودن با جنازه اش روبرو شدند.

اکثریت فرماندهان یا جنون گرفتن یا فرار کردن. بعضی‌ها هم
بقدرت اهل بیت سلام‌الله علیها پی‌برده و متاثر شدند.

در همان روز بطور ناباورانه طبع شعر آقا سید اشرف‌الدین شعله
ور می‌شود.

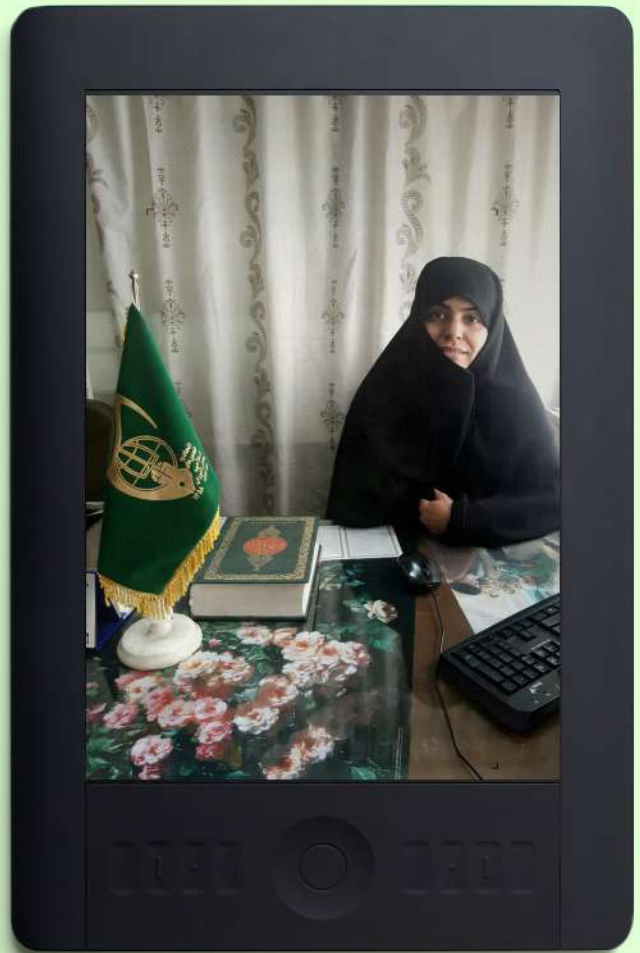
شعر کامل را بدین ترتیب سرودند:

دیشب به سرم باز هوای دگر افتاد
در خواب مرا سوی خراسان گذر افتاد
چشمم به ضریح شه والا گهر افتاد
این شعر همان لحظه مرا در نظر افتاد:

با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد

این قبر غریبُ الغُربا، خسرو طوس است
این قبر مُعین الضعفا، شمس شمس است
خاک در او ملجأ ارواح و نفوس است
باید ز ره صدق بر این خاک در افتاد
با آل علی هرکه در افتاد، ورافتاد

مصاحبه با فاطمه سادات مرادی طلبه دانش آموخته (س) مدرسه علمیه نورالزهرا و معاون انجمن اسلامی آموزش و پرورش



با توجه به اینکه می تواند پاسخگوی سوال بچه ها باشد بهترین جا که می تواند ورود کند بحث شبهات هست. ما الان ارگان و سازمان کم نداریم که با نوجوان مواجهه می شود مثل حلقه های بسیج مدارس مثل مدارس که با توجه به دولت جدید و رویکردی که مدیران در آموزش پرورش دارند حضور طلاب و کارهای فرهنگی در مدارس الحمدلله به سمت پررنگ شدن می رود. طلبه تا کی و به چه میزان می خواهد به درس خواندن ادامه دهد. بینی و بین الله در درسهای حوزه که با درس های دانشگاه برابری می کند و گاه از درس های دانشگاه سخت تر است کمتر به بحث اجرایی می پردازیم یعنی ما انبوهی از داشته ها داریم علمی که وقتی می خواهد به اجرا در آید اجرای آن را بلد نیستیم، به نظر بنده اگر طلاب آنچه را یاد گرفته اند چه در امر فلسفه، چه منطق، چه فقه و چه آنچه که در کلام آموختند به صورت پست های کوچک، منبرهای کوتاه، صحبت های جذاب الحمدلله نمونه اش در فضای مجازی کم نیست در بیاورند یا به صورت اجرایی در آورند مثل اردوهای یک روزه که طلبه ها آن را رقم بزنند مثل قرارگاه های مساجد که الان تشنه ی حضور طلاب باسواد و با انگیزه هستند حضور طلاب باسواد و پاسخ دادن به سوالات آن ها و ارائه اسلام واقعی ما یک وقت هایی اسلام را خاص نسل امروز کنیم سانسور می کنیم در حالی که وقتی در مواجهه ی با این نسل کاری کنیم که اسلام واقعی را ببینند غالباً مشتاق تر می شوند تا اینکه ما اسلام را سانسور کنیم. وظیفه حوزه علمیه پاسخ به سوالات در درجه اول ایجاد انگیزه در نوجوانان در درجه ی دوم اجرایی کردنه دروس تئوری حوزه و تبدیل آن به اردوهای عملی در

*** لطفاً مختصری خودتان را معرفی بفرمایید.**

فاطمه سادات مرادی هستم طلبه فارغ التحصیل مدرسه علمیه نورالزهرا (س) که افتخار داشتم ۵ سال همزمان در تبلیغ در مدارس و امام مبین در مدارس منطقه ۴ یکی از اعضای فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) بودم. از سال ۹۶ به عنوان معاونت انجمن اسلامی آموزش و پرورش شهر تهران وارد عرصه فرهنگی به صورت جدی شدم و اکنون نزدیک ۵ سال هست که در این عرصه فعالیت می کنم. تخصص کاری در حیطه نوجوان که از رده سنی ۱۴ سال تا ۱۸ سال را در برمی گیرد، که رده سنی بسیار حساس هست که در این عرصه فعالیت می کنم. آموزش و پرورش کشور ۴ شکل دارد شکل بسیج دانش آموزی، شورای دانش آموزی، هلال احمر و انجمن اسلامی دانش آموزان که در سال ۱۳۵۸ به فرمان امام (ره) شکل گرفته و وظیفه اش تربیت مدیران فرداست.

با توجه به اینکه شما در حوزه کودک و نوجوان فعال هستید بفرمایید وظیفه جامعه حوزوی در قبال کودک و نوجوان چیست؟
نوجوانی عرصه ی بسیار پیچیده است و بین کودکی و جوانی است و زمان شکل گیری تربیتی انسان است. نگاه می کنیم که با توجه به مشکلات اقتصادی و فرهنگی که وجود دارد حتی بچه هایی که از نظر ذاتی شخصیت معنوی پررنگ و قوی هست با مواجهه با فضای مجازی و جامعه آن اتفاقی که باید رقم بخورد نمی خورد و این بچه ها بعضاً اعتقاداتشان دچار شک و شبهه می شود با توجه به جهاد تبیینی که حضرت آقا فرمودند و با توجه به اینکه این نسل نسلی هست که باید با زبان عقل صحبت کنیم و ادله برایشان بیاوریم جامعه حوزوی



درجه ی سوم و همچنین راهیابی در بین نوجوانان در هر حلقه ای که هستند در مسجد، مدرسه و در هر حلقه ای که هستند نفوذ و کنار بچه ها بودن وظیفه ی حوزه علمیه است ولو اینکه نوجوان نپذیرد ما تا کی سکوت کنیم بگویم جامعه نمی پذیرد به نظر بنده این بزرگترین اشتباه حوزه علمیه بوده است.

به نظر شما بهتر است کار را با جوان شروع کنیم یا نو جوان و نونهال؟

در رابطه با این سوال البته که نونهال. بنده بارها به طلابی که حتی قصدشان درآمد زایی است پیشنهاد میکنم که مهدکودک راه اندازی کنند حال با همکاری با مساجد یا مدارس. البته کارگروه بنزنفقط مهد کودک نزنند. وقتی که ما کار را از مدرسه محوری به کارگاه محوری تبدیل کنیم. کارگاهی که در آن کودک آموزش می بیند، پدر و مادر آموزش می بینند، بچه از یک محیط سالم وارد محیط سالم دیگر می شود. ولی وقتی که ما نونهال، نوجوان و جوان را بدهیم بعد ببینیم خانواده خلاف معیار ما رفتار می کنند، جوان و نوجوان از یک محیط سالم به یک محیط مخرب می رود و آن رشد را پیدا نمی کند. حتی اگر ما با پایین آوردن هزینه ها و بالا بردن بازدهی تشویق کنیم که بچه ها وارد عرصه ی آموزش نونهال، کودک و نوجوان شوند، مثلا من مرادی درحال حاضر کارگروه نوجوان دارم و ببینم کدام دوستم در دبستان کار می کند بچه هایی که تحت تربیت آنهاست جذب کنم و تحویل به جلگه جوانان انقلابی که در دانشگاه هستند. اینها از کجا شروع کردند از دارالقرآن ها و مهد کودکی دکه تحت تربیت درست قرار گرفتند. خوب بچه یک سیر درستی را در پیش می گیرد و هرگز سقوط نمی کند ولی ما بچه ها را پیش دبستانی می فرستیم دارالقرآن، ابتدایی می فرستیم مدرسه ای که اصلا با موازین ما جور درنیست و... و این بچه سردرگم می شود. پس بهترین راه اینست که ما حوزوی ها پخش شویم هم مهدکودک ها باشیم، هم در مدارس باشیم، هم در دانشگاهها. ولی خب این یک آرمان شهری است که به لطف خدا و برنامه ریزی هایی که شده ان شاءالله که بشود ولی اگر نشد شروع کار اگر از نونهال باشد و این زنجیره تا جوانی پیش رود خود این جوان برمی گردد به این زنجیره و شروع به آموزش دادن اگرما درست عمل کنیم. اما اگر نونهالی بچه ها از دست رفتهالان در نوجوانی باید آن خمیری که از دبستان به راهنمایی رسیده و شکل می گیرد و اگر به پایان دبیرستان برسد دیگر برای آن شکل دادن باید بشکنیم باید در دوران نوجوانی آن شکل را به خود بگیرد.

باتوجه به اینکه شما از طلاب حوزه علمیه بودید بفرمایید موثرترین روش برای ایجاد انگیزه طلاب و به میدان جهاد فرهنگی آوردن این عزیزان چیست؟

من معتقد هستم غالب افراد که تحصیل در حوزه علمیه را انتخاب می کنند نمی گویم همه زیرا برخی افراد برای مدرک و برخی نیز از روی بیکاری این مسیر را انتخاب می کنند ولی غالب افراد کسانی هستند که نسبت به امام زمان (عج) نسبت به دین و نسبت به جامعه احساس وظیفه کردند. خوب برای اینکه طلبه ها را به این عرصه بیاوریم و در این عرصه فعالیت کنند و فعالشون کنیم بهتر است که زمان طلبگیشان حس وظیفه شناسی و لزوم حضورشان در جامعه را برای آنها پررنگ کنیم بلایی که سرمان آوردند که تمامی اساتید ابتدای کلاس به دستور مدیریت حوزه درس اخلاق داشتند. ده دقیقه برای طلاب صحبت می کردند و وظیفه ی ما در قبال جامعه و اطرافیانمان بیان می کردند. دوره هایی مانند امر به معروف و نهی از

منکر برای ما برگزار می کردند. ویژگی های طلبه امام زمان (عج) و آداب الطلاب اینها را به ما یاد می دادند. نمی گویم همه ولی تقریبا هم دوره ای های من نسبت به وظیفه ای که دارند بی حس نیستند و کار انجام می دهند. این وظیفه طلاب را باید به آن ها گوشزد کنیم. نکته بعدی اینکه حداقل های اقتصادی طلبه ها را در نظر بگیریم، طلبه ای که کار فرهنگی میکند قطعاً نیازهایی دارد که باید برآورده شود و همه ی ارگان ها و سازمان ها قابلیت پرداخت این حداقل ها را دارند و طلبه ها هم باید مثل کسانی که در دانشگاه فرهنگیان درس می خوانند حداقل متعهد شوند که یک سال کار تبلیغ رایگان انجام دهند. شما فکر کنید که هشت سال چند طلبه فارغ التحصیل داریم. من می گویم بعضی از طلبه ها تحقیق و پژوهش آن ها خوب است بعضی تبلیغ و برخی تدریسشان در هر کدام از این سه حیطه که می توانند به آنها انگیزه و آموزش داده شود. به جد می گویم اگر بنشینیم یاد بگیریم بگویم یک روزی به کارمان می آید بلکه باید وارد عرصه ی کاری شوند. لذا آموزش و پرتوان کردن طلاب در عرصه ی عمل اتفاق می افتد. تا من به مدرسه و مسجد نروم و کار را شروع نکنم نداشته هایم را متوجه نمی شوم ولی وقتی که وارد عرصه تبلیغ می شوم متوجه می شوم کجاها ضعف دارم همین قدر که خودم را بالنده می کنم و ضعف های خودم را جبران می کنم و به تبلیغ م سرورم این یکسال دوسال و حضورم در عرصه ی تبلیغ هم به جامعه ام کمک می کند هم به رشد خودم کمک می کند وبعد از دوسال هم باید از نظر اقتصادی هم دیده شوم. خوب بالاخره ۴ سال ۵ سال برای طلبه هزینه می شود شما ببینید هزینه ها تحصیل در کشور چه قدر بالاست. پس او متعهد شود که از این ۵ سال و ۷ سالی که رایگان درس خوانده و هزینه شده حالا او موظف است که برود و یک سال تبلیغ، تحقیق و یا تدریس کند. حتی یکی مبلغ بتواند یک پاور پوینت خوب بسازد و بدهد به مبلغینی که تبلیغ می کنند یا آن کسی که تدریس می کند یاد بدهد به کسانی که تبلیغ می کنند نحوه تدریس و کشاندن دانش آموز در منبر این خود بسیار مهم است. از طرفی هم اگر یک مبلغی که اهل تبلیغ است پشتوانه تبلیغ و تدریس داشته باشد موثرتر عما خواهد کرد. پس می توان از طلبه هایی که توان تبلیغ ندارند یک گروه بسازیم و هر سال که بچه ها وارد عرصه ی حوزه می شوند تا سال پنجم که خروج پیدا کنند زمینه ی توانمندی طلبه را شناسایی کنیم و علاوه بر درس خواندن آن زمینه را پررنگ کنیم و موظف کنیم که یک سال در جامعه آن کار را در بسیج یا مدرسه و هر جا که زمینه ورود دارد انجام دهد به این شکل مشکلات



جامعه ما هم به جد حل خواهد شد.

ویژگی کار با نوجوان چیست؟

کار با نوجوان بسیار سخت است نوجوان یک قشر فرار، بی قرار، دارای شناسه های کپسولی است. فرار است برای اینکه در آن واحد در اطرافش چیزهای زیادی می بیند، کپسولی است برایی اینکه توصیه صحبت های نصیحت گونه، طولانی و خسته کننده را ندارد. امین است برای اینکه دوست دارد به او هویت و بها داده شود، لذا اگر او را ببینیم و واقعا باور کنیم بهترین نسل و زمان است. نوجوان فقط باید دیده بشود. در این چند سالی که در عرصه ی نوجوان به طور جدی و با تمام توان وارد شدم، زمانی موفق بودم و توانستم خروجی داشته باشم که نوجوان را دیدم و به او هویت دادم. خوب تخصص بنده نوجوانان دختر هست و در عرصه ی دختران کار با سنجیده عمل کردن جلو می رود. حضرت آقا می فرمایند این نسل از نسلی که انقلاب کرده بهتر است و واقعا هم همینطور هست. اینها بچه هایی هستند که جنگ را ندیدند، انقلاب را ندیدند و آنچه که دیدند سختی های اقتصادی، تهاجم های فرهنگی بوده که خودشان را از این گرداب ها و سیلاب ها نجات دادند. لذا کار با بچه هایی که در عرصه ی فرهنگی فرهیخته محسوب می شوند بسیار سخت است. با بچه هایی که خالی الذهن هستند و شما در کوچه و خیابان می بینید و میگویید که چه قدر از ما جدا هستند چراحرف گوش نمی دهند، چرا نماز نمی خوانند، اتفاقا خالی الذهن هایی هستند که می توان روی آنها خوب کار کرد. به شرط اینکه در مقابل همه ی سوال هایشان پاسخ درست داشته باشیم، به شرطی که مربی درست داشته باشند. عرصه ی نوجوانی عرصه ی دوستی های پایدار و ماندنی. اگر ما در این عرصه ی دوستی درست عمل کنیم قطعاً موفق خواهیم بود.

چه آینده فرهنگی را پیش بینی می کنید و تعریفتون از کار قوی فرهنگی چیست؟

کار قوی فرهنگی کاریست که براساس برنامه باشد. ما باید کار فرهنگی بلد باشیم به طلبه ها آموزش دهیم که چگونه نقشه بکشند، چگونه طراحی کنند، چگونه محتوا تولید کنند. کاری که محتوای مناسب نداشته باشد، نقشه نداشته باشد، کاری بر مبنای حرکت منسجم نباشد و هدف کوتاه مدت و بلند مدت نداشته باشد تاثیرگذار نیست. اینکه چه چیز در کار فرهنگی تاثیرگذار است اخلاص افراد

می تواند تاثیر بگذارد. میزان توسل افراد بسیار مهم است، اصلاً کار فرهنگی بدون توسل امکان پذیر نیست. ما برای یک اردوی ساده، یک سخنرانی ساده، برای برگزاری یک هیئت ساده باید یقین داشته باشیم که در خدمت حضرات هستیم. خوب شما در هرجای عالم بنخواهید کار فرهنگی کنید، کار فرهنگی انجام نمی شود مگر اینکه نیتش زمینه سازی ظهور باشد، پس باید کار فرهنگی انجام داد تا زمینه ساز ظهور باشیم. بنابراین بی انگیزه و بی هدف و بی توسل کار جلو نمی رود. میزان توسل افراد در کار فرهنگی بسیار مهم است، میزان توجهشان به امام زمان (عج) بسیار مهم است و اینکه بنده در کار فرهنگی به این قائل هستم که وقتی که حب دنیا وارد کار فرهنگی شود و درآمدزایی مطرح شود تاثیر کار فرهنگی کم می شود. ببینید ما نیاز به یک سری بودجه ها داریم تا کار انجام شود ولی یک سری موازی کاری ها را می شود برای تامین بودجه جلویش را گرفت. من کاری را انجام می دهم، شما کاری را انجام می دهید، سازمان تبلیغات کاری، ما با هم یکی شویم یک مخاطب مشترک و یک هزینه خوب کار فرهنگی انجام دهیم. اما یک وقتی است من می خواهم کار فرهنگی انجام دهم که کسب درآمد کنم بینی و بین الله کار تاثیرگذاری نخواهد بود. و اما کار فرهنگی که این اواخر همه مون دیدیم که در عین سادگی بسیار تاثیرگذار بود سرود سلام فرمانده بود. خیلی از بزرگان در رابطه با آن نظر دادند ولی من نظر یکی از مداحان اهل بیت (ع) را خیلی پسندیدم اینکه وقتی تو کارت را برای امام زمان (عج) و به خاطر او انجام می دهی او می بیند و آن تاثیر را در تو می گذارد. حتی من که این کار را می سازم آدم خیلی خوبی نباشم ولی چون کار را برای امام زمان (عج) انجام می دهم آن کار دیده می شود و چه بسا آن کار شفاعت من را می کند. کار فرهنگی در هر سطحی، مدرسه، منطقه، استان، کشور؛ کار متوسط، بزرگ، مقطعی، طولانی مدت باید اتفاق بیفتند هرکس به اندازه بضاعتش. واگر من بگویم نمی توانم کار تاثیرگذار فرهنگی انجام دهم، پس از این شاخه گلی هم که به دختران محبیه می بینم بگذرم، نه آن هم تاثیر خود را خواهد گذاشت. در کار فرهنگی یک مقدمه مهم است، بعد خود آن کار و پشتوانه از آن کار. مداومت داشته باشد تاثیرش بیشتر است مقطعی باشد تاثیرش هم مقطعی خواهد بود.

اگر قرار باشد کار تاثیرگذار باشد چه چیزهایی در آن دخیل است؟

اولین ویژگی که یک مربی باید داشته باشد اینست که امروزی فکر کند. امروزی فکر کردن به این معناست که اینطور نیست که شما یک نصیحتی یا صحبتی بگویید و آن ها بپذیرند باید مثل امروزی ها فکر کنید، گفتمانی عمل کنید. ما در این گفتمان باید دست پر باشیم که پاسخگو باشیم. برای امروزی بودن لازم نیست که ضربه ای به جسمت بزنی و جسمت را خیلی تغییر بدی همین که آراسته به حکمت، صحبت و دانسته عمل کنید بچه ها به سمت شما جذب می شوند. نسل امروز زبان محبت است. لذا خودشان وقتی می خواهند خودشان را برای کسی مطرح کنند شروع به محبت کردن می کنند و طرف مقابل را جذب کردن و بعد از جذب اصرار و تکرار را پیشه می کنند. لذا باید از ترفند خودشان استفاده کرد. حالا مجله را گاهی نوجوانان می خوانند و می دانند که اگر بخواند کسی کنارشان دوام بیاورد باید از کنار آنها بودن خسته نشود و در دوستی با آنها تداوم باشد. آنها از بالا به پایین و غیر دوستانه را نمی پذیرند. ویژگی بعدی که باید برای مواجهه با نسل امروز داشته باشیم اینست که آنها را درک کنیم و قضاوتشون نکنیم و سعی کنیم که برای اینکه



و از صفر شروع کردند. نخواهیم همان اول در باغ سبز نشان دهند و فرش قرمز پهن کنند. واقعا بدون سختی کشیدن هیچ امری محقق نمی شود باید حداقل ۴ یا ۵ سال از زندگیمون را صرف تبلیغ صادقانه برای کسب تجربه بکنیم و بعد توقع داشته باشیم که جای ما را به عنوان کارمند، معلم یا مدرس بپذیرند. همه دلشان می خواهد معلم شوند و یا شغل ثابتی داشته باشند و می دانم که همه ی آنها موفق خواهند شد اما خیلی سخت است. ان شاء الله که همه ی بزرگواران موفق شوند و خداوند به همگی توان مضاعف دهد و آن چیزی که مرضی رضای امام زمان (عج) باشد محقق شود. ممنون از اینکه بنده را برای مصاحبه انتخاب کردید. بنده همیشه در آموزش و پرورش می گویم من نماینده کوچکی از حوزه علمیه هستم، یک طلبه ساده که تمام تلاش خود را کرد در آن سالهایی که در حوزه فعالیت می کرد برای حضور در کنار نوجوانان، تجربه کافی، دوره های کافی، مطالعه کافی را داشته باشد.

موفق و موید باشید. التماس دعا

*** از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید بی نهایت سپاسگزارم.**

مصاحبه کننده: سمیه اکبری

موقعیتی که از نظر ما مناسب نیست و در آن گرفتار شدند را به آنها بفهمانیم به جای سرزنش کردن از واژه من خیر تو را می خواهم استفاده کنیم. چون سرزنش کردن در نسل امروز پاسخ عکس خواهد داد پس باید در نسل امروزی زبان خودشان و به روش خودشان صحبت کرد.

نکته پایانی من خودم نوجوان و جوان دارم و یک مادر در تمرینی که در خانه انجام می دهد خیلی می تواند در جامعه موثر باشد. پیشنهاد من به طلاب اینست که یک روزی ما بهانه داشتیم و می گفتیم درها به روی ما بسته است. خاطره ای هم بگویم بد نیست ما کارمان در منطقه ۴ شروع کردیم خیلی از مدیرانی که الان در حوزه هستند خاطر شریفشان هست که منت می گذاشتند سرما که یک کلاس بدهند تا یک ساعت در مدرسه کنار بچه ها باشیم. با چه مشقتی وارد مدرسه می شدیم و چه قدر مدیر مدرسه را باید تطمیع می کردیم و چه قدر او از ما طلبکار بود. امروز کاملاً برعکس است. من در آموزش و پرورش هستم و واقعا پای طلبه ها ایستادم. درگوشی بگویم اینجا مجله طلاب هست خودم به زحمت طلبه ای را پیدا می کنم که بتواند کار مربیگری را انجام بدهد، مسئولیت پذیر باشد و بتواند سر مسئولیت پذیرفته خود بایستد. طلبه هایی که هستند البته مشکلات اقتصادی برای همه ی ما وجود دارد ولی می خواهند که بسم الله را بگویند و با درآمدهای بالا طلبگی شان را شروع کنند. این طور نیست واقعا خیلی باید خاک صحنه تبلیغ را بخوری، خیلی باید خاک سختی مدارس را بکشیم. هستند طلابی که برای رفتن به مدرسه مشکلات داشتند ولی الان برای حضورشان سر و دست می شکنند

اخبار فرهنگی



عکاس: سمیه اکبری - کلاس اخلاق



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

درس اخلاق

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) اقدام به برگزاری کلاس اخلاق به صورت هفتگی توسط استاد حجت الاسلام فقیهی به صورت حضوری نمود.

برنامه احکام و تفسیر ماه مبارک رمضان

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) همزمان با آغاز ماه مبارک رمضان اقدام به برگزاری کارگاه احکام و تفسیر ماه مبارک رمضان با تدریس سرکارخانم اسماعیل زاده مدرس احکام و حجت الاسلام فقیهی موسس محترم مدرسه به صورت روزانه در فضای مجازی با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از طلاب، کادر، اساتید و اهالی محل نمود.

بارگذاری روزانه دعا و قرآن صوتی به صورت روزانه

بازخوانی اندیشه مقام معظم رهبری با محوریت کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) از تاریخ ۱۴ فروردین الی ۱۲ اردیبهشت همزمان با ایام ماه مبارک رمضان و با توجه به منویات مقام معظم رهبری (حفظه الله) مبنی بر جهاد تبیین اقدام به برگزاری دوره بازخوانی اندیشه مقام معظم رهبری با محوریت کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن با تدریس استاد خاک رنگین استاد برتر در حوزه اندیشه های رهبری نمود. در این دوره که بیش از ۶۰ نفر از اساتید، طلاب و دانشجویان از سراسر کشور شرکت نمودند استاد به تدریس روزانه کتاب طرح کلی پرداختند و به برگزیدگان در دوره بعد از قبولی درآزمون گواهی پایان دوره اعطا و به دوره تکمیلی تربیت مدرس طرح کلی راه می یابند.

روز قدس

همزمان با روز جهانی قدس واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) نشستی را در تاریخ ۸ اردیبهشت با محوریت اندیشه مقام معظم رهبری (حفظه الله) با سخنرانی استادخاک رنگین به صورت آنلاین با حضور حدود ۶۰ نفر از طلاب و اساتید و کادر مدرسه برگزار نمود.

روز معلم و عید سعید فطر

مدرسه علمیه نورالزهرا (س) همزمان با شهادت استاد شهید و روز معلم و عید سعید فطر برنامه ای را به صورت مجازی با پیام تبریک موسس محترم حجت الاسلام والمسلمین فقیهی به صورت مجازی برگزار نمود. همچنین جهت تجلیل از مقام شامخ استاد هدیه ای تقدیم اساتید محترم مدرسه علمیه نورالزهرا (س) گردید.

مهدویت و امام زمان شناسی

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) جهت آشنایی طلاب با مباحث مهدویت روزهای سه شنبه مباحث مهدویت را با تکیه بر کتاب نگین آفرینش با تدریس استاد سرکار خانم حسینی در فضای مجازی با شرکت حدود ۱۰۰ نفر از طلاب برگزار می نماید.



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴

هفته جمعیت

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) همزمان با هفته جمعیت در تاریخ ۲۵، ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت برنامه ای با موضوع فرزندآوری و تربیت فرزند در سه روز با سخنرانی اساتید محترم سرکار خانم ترابی کیا، خانم سلطان کتابی و حجت الاسلام والمسلمین فقیهی با حضور بیش از ۵۰ نفر از اساتید، طلاب و کادر برگزار نمود.

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) به مناسبت هفته جمعیت در تاریخ ۲۸ اردیبهشت برنامه ای با مشارکت مدارس علمیه صالحیه و راه زینب (س) با سخنرانی سرکار خانم دکتر محمودزاده با موضوع جمعیت، چالش ها، فرصت ها و راهکارها به صورت آنلاین با حضور اساتید، طلاب و کادر مدارس برگزار نمود.



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

نمایشگاه کتاب

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) با همکاری واحد پژوهش به همراه تعدادی از طلاب در تاریخ ۲۸ اردیبهشت با حضور در نمایشگاه بین المللی تهران از نمایشگاه بازدید و به امر نیکوی امر به معروف و نهی از منکر پرداختند. در این حضور طلاب با اهدای کتاب به بازدید کنندگان آنان را به صورت غیرمستقیم تشویق به حجاب می نمودند.



عکاس: سمیه اکبری - کتاب و کتابخوانی

کتاب و کتابخوانی

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) با همکاری واحد پژوهش تعداد ۳۲ جلد کتاب به جهت ترغیب و تشویق طلاب به کتابخوانی از نمایشگاه تهران خریداری نموده و جهت مطالعه در اختیار طلاب قرار می دهد.

آزادسازی خرمشهر و اولین نشست صمیمی طلاب

مدرسه علمیه نورالزهرا (س) همزمان با سالروز آزاد سازی خرمشهر در تاریخ ۲ خرداد نشست صمیمی را با سخنرانی موسس محترم حجت الاسلام فقیهی با موضوع مسائل روز با حضور ۸۰ نفر از اساتید، طلاب و کادر مدرسه علمیه نورالزهرا (س) برگزار نمود. در پایان نیز مدعوین مهمان سفره اطعام بودند.



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲



شهادت امام جعفر صادق (ع)

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) در تاریخ ۷ خرداد همزمان با شهادت رئیس مذهب شیعه امام جعفر صادق (ع) مراسمی را با مشارکت مدارس علمیه صالحیه و کریمه اهل بیت (ع) با سخنرانی سرکار خانم رثانی استاد برجسته اخلاق به صورت آنلاین با حضور طلاب، اساتید و کادر مدارس علمیه برگزار نمود.

ميلاد حضرت معصومه (س) و روز دختر

همزمان با میلاد کریمه اهل بیت (س) و روز دختر واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) برنامه ی جشن دورهمی را در تاریخ ۱۲ خرداد در پارک بانوان با حضور ۳۰ نفر از طلاب و دخترانشان برگزار نمود. در این مراسم سرکارخانم اسکندری ذاکر اهل بیت (ع) به مولودی و مدیحه سرایی پرداختند. از برنامه های جذاب آن روز مسابقه ورزشی بین طلاب و دخترانشان بود. این مراسم با برگزاری نمازجماعت و صرف نهار به پایان رسید.

سفیران رضوان

واحد فرهنگی مدرسه علمیه نورالزهرا (س) با همکاری مبلغین سفیران رضوان اقدام به تبلیغات پذیرش در سطح محله نمود.

نشست صمیمی طلاب

مدرسه علمیه نورالزهرا (س) در تاریخ ۳۰ خرداد دومین نشست صمیمی طلاب و خانواده هایشان را با سخنرانی موسس محترم حجت الاسلام فقیهی و مداحی حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمدجواد فقیهی با حضور بیش از ۱۰۰ نفر از طلاب، کادر و خانواده هایشان برگزار نمود. این مراسم با نمازجماعت آغاز و با گستردن سفره اطعام به پایان رسید.



عکاس: سمیه اکبری - مورخ: ۱۴۰۱/۰۳/۳۰



گزارش نشست صمیمی طلاب و خانواده‌هایشان



مدرسه علمیه نورالزهرا (س) با پیشنهاد موسس محترم حجت الاسلام فقیهی به برگزاری نشست صمیمی طلاب و خانواده‌هایشان در تاریخ ۲ و ۳۰ خرداد با حضور بیش از ۸۰ نفر از طلاب و خانواده‌هایشان اقدام نمود. حجت الاسلام فقیهی در این نشست به بیان مباحث روز و تحلیل آن پرداختند.

ایشان بیان کردند که ما باید در عصر امروز گوش به فرمان ولی فقیه باشیم. ولی فقیه یعنی عالمی که هم علم دارد، هم عدالت دارد و هم ساده زیست است، وهم عبادت و بندگی خدا را می‌کند. بزرگان دین ما در مجلس خبرگان جمع شدند و ایشان را انتخاب کرده و بر او نظارت دارند. ایشان در ادامه فرمودند: بنابراین اجتهاد و تقلید هم در مسائل فردی مانند نماز و روزه، هم در مسائل اجتماعی باید باشد. زمانی حضرت علی (ع) با معاویه در جنگ بودند و مالک اشتر فرمانده لشکر حضرت بودند. نزدیک خیمه معاویه رسیده بود عده‌ای نزد حضرت علی (ع) رفتند. آنان مسلمان و نمازخوان بودند دور حضرت را گرفتند و گفتند که ما باقرآن جنگ نمی‌کنیم اینها قرآن بر نیزه گرفتند. دستور بده که مالک برگردد اگران کار را نکنی تو را با شمشیر از بین خواهیم برد. حضرت به مالک اشتر فرمودند که برگرد. پس باید مواظب تبلیغات سوء دشمنان باشیم. شب و روز تبلیغ سوء می‌کنند بر ضد دین، بر ضد ولایت و...

ایشان به خطبه ۲۰۴ نهج البلاغه اشاره نمودند و گفتند: مراقب اعمال دنیای خود باشید که بانگ الرحیل نزدیک است: "تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَقَدْ بُدِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ، وَأَقْلُوا الْعُرْجَةَ [الْعُرْجَةُ] عَلَى الدُّنْيَا، وَانْقَلَبُوا بِصَالِحٍ مَا يَحْضُرُكُمْ مِنَ الزَّادِ، فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقَبَةَ كَثُودًا وَمَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً لَا بَدَّ مِنَ الزُّرُودِ عَلَيْهَا وَالْوُقُوفِ عِنْدَهَا. وَاعْلَمُوا أَنَّ مَلَا حِظَّ الْمَنِيِّ نَجْوَكُمْ [ذَاتِيَّةً] دَانِيَةً وَكَأَنَّكُمْ بِمَخَالِبِهَا وَقَدْ نَشِبَتْ فِيكُمْ، وَقَدْ دَهَمَتْكُمْ فِيهَا مُفْطِعَاتُ الْأُمُورِ وَ[مُضْلِعَاتُ] مُعْضَلَاتِ الْمُحْدُورِ؛ فَقَطِّعُوا عِلَاقَتِ الدُّنْيَا وَاسْتَظْهَرُوا بَرَادَ التَّقْوَى."

سخنی از آن حضرت (ع) همواره در میان اصحاب خود چنین ندا می‌داد: مهیا شوید - خدایتان رحمت کند - که در میان شما بانگ رحیل در داده اند. درنگ خویش در دنیا کمتر سازید و همراه توشه‌های نیکویی که با خود برداشته اید، بازگردید، زیرا رویاروی شما گردنه‌ای است که از آن بسختی توان گذشت. منزلهایی است وحشتناک و هول‌انگیز، که بناچار بر آنها داخل خواهید شد و در آنجا درنگ خواهید کرد.

بدانید، که مرگ از نزدیک به گوشه چشم در شما می‌نگرد و چنانکه پنداری، در چنگالهای آن گرفتار آمده اید، ناخن در تتان فرو برده است. کارهای بس دشوار و رنجهای کمر شکن آن شما را در بر گرفته. پس پیوند خود با دنیا ببرید و به توشه تقوا پشت خود قوی سازید. ایشان به داستان حضرت سلیمان اشاره کردند هنگامی که مرگ ایشان فرارسید ملک الموت بر او وارد شد فرمودند که تو چه کسی هستی؟ ملک الموت فرمود تا الان شما صاحب خانه بودی ولی دیگر تمام شد وقتی عجل فرا می‌رسد دیگر هیچ چیز باقی نمی‌ماند. در پایان فرمودند ما باید خود را برای سفر آخرت آماده کنیم و در این راه به اهل بیت (ع) توسل کنیم و از آنان مدد بجوییم. سپس حجت الاسلام والمسلمین سید محمد جواد فقیهی به مداحی و روضه خوانی پرداختند. این مراسم با گستردن سفره اطعام و احسان به پایان رسید.

گزارش پژوهش



عکاس: حسین آبادی * مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱



عکاس: حسین آبادی * مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

گروه طریق الرشید برگزار میکند

با انتشار افکار صحیح در فضای مجازی
به معنای واقعی کلمه جهاد کنید...

اولین نشست از سلسله نشست های فصلی خانواده
موضوع: **پروسی جامعه شناختی**
پدیده تجرد قطعی دختران در ایران

جناب آقای دکتر اقبال حسینی

پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۱ صبح

لینک حضور در جلسه:
<https://b2n.ir/b21217>

مدارس علمیه:

صالحیه، کریمه اهل بیت، زینب شاهد، نورالزهراء، راه زینب، نورالاصفیه،
مشکات اندیشه و سیده النساء «سلام الله علیهم اجمعین»

تماس با ما: tangeroshod.com

عکاس: حسین آبادی * مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

۱. تعامل و همکاری واحد پژوهش با نشر «آشنایی با منظومه فکری و اقدامات آیت الله خامنه ای» در بیست و نهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم توسط خانم ها: حسین آبادی، صادقی مهری، بهاره رضایی. ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

۲. بازدید و اردوی علمی یکروزه ۱۶ نفر از طلاب مدرسه به همراه معاونین پژوهش و فرهنگی و مسئول کتابخانه در (سی و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۴۰۱) و تهیه و خرید کتاب مورد نظر برای کتابخانه مدرسه در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ در این اردو ۱۶ نفر از طلاب و مسئولین (راضیه غیاث آبادی، عاطفه انصاری، زهرا باقری، مینا فولادی، ام البنین نوروزی، مریم میان محله، فاطمه میرزایی، معصومه زمردیان، ریحانه حسین زاده، فاطمه کریمی، زهرا رضایی، لیلا محمدی، فاطمه صادقی مهری، مرضیه دامچی، شیرین حسین آبادی، سمیه اکبری) علاوه بر خرید کتابهای موردنظر خود، اقدام به معرفی کتابهای رمان، فلسفی، روانشناسی، خاطرات شهدا و... به سایر بازدیدکنندگان نمودند.

مسئولین مدرسه بیش از ۲۵ جلد از کتابهای مورد نظر و درخواستی طلاب را تهیه و خریداری نمودند و به عنوان وقف در گردش در اختیار خوانندگان به جهت مطالعه قرار دادند.

۳. برگزاری اولین نشست از سلسله نشست های فصلی خانواده با موضوع: «پروسی جامعه شناختی پدیده تجرد قطعی دختران در ایران» توسط جناب آقای دکتر اقبالی فصلی در فضای مجازی با مشارکت مدارس «طریق الرشید» مدارس علمیه صالحیه، کریمه اهل بیت، زینب شاهد، نورالزهراء، راه زینب، نورالاصفیه، مشکات اندیشه و سیده النساء «سلام الله علیهم اجمعین» در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

۴. شرکت طلاب و معاون پژوهش در «ششمین نشست کنگره بین المللی ولایت اجتماعی زن با محوریت بانوی کرامت» با حضور استاد «رحیم پور ازغدی» بمناسبت دهه کرامت در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

خانم ها (حسین آبادی، اسکندری، دامچی، کریمی)



عکاس: حسین آبادی * مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹

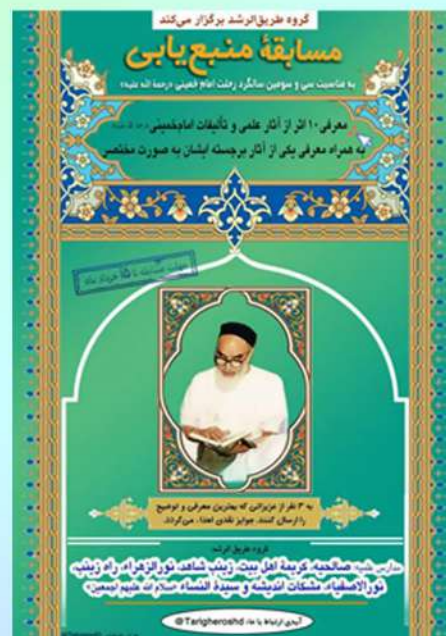
۵. برگزاری مسابقه منبع یابی به مناسبت سی و سومین سالگرد رحلت امام خمینی «رحمه الله علیه» در تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۵ به نفرات اول تا سوم جوایز نقدی تعلق گرفت.

۲۴ نفر در مسابقه شرکت کردند که از بین این افراد پاسخ های کاملتر به مرحله قرعه کشی راه یافتند و افراد زیر برنده اعلام شدند:

سرکار خانم زینب رضوانی از حوزه علمیه سیده النساء سلام الله علیها

سرکار خانم زینب افشاری از حوزه علمیه سیده النساء سلام الله علیها

سرکار خانم نساء کاراژی سفیدی از حوزه علمیه نورالاصفیا سلام الله علیها



عکاس: حسین آبادی * مورخ: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

۶. ادامه برگزاری کارگاه مهارت افزایی در اندیشه و آثار مقام معظم رهبری توسط استاد خاک رنگین و تعیین موضوعات تحلیل مضمون توسط اعضای گروه روزهای چهارشنبه.

جهت اطلاع بیشتر از فعالیت پژوهشی مدرسه به آدرس وبلاگ پژوهشی

pazhooheshnoorozahra.kowsarblog.ir

مراجعه کنید.

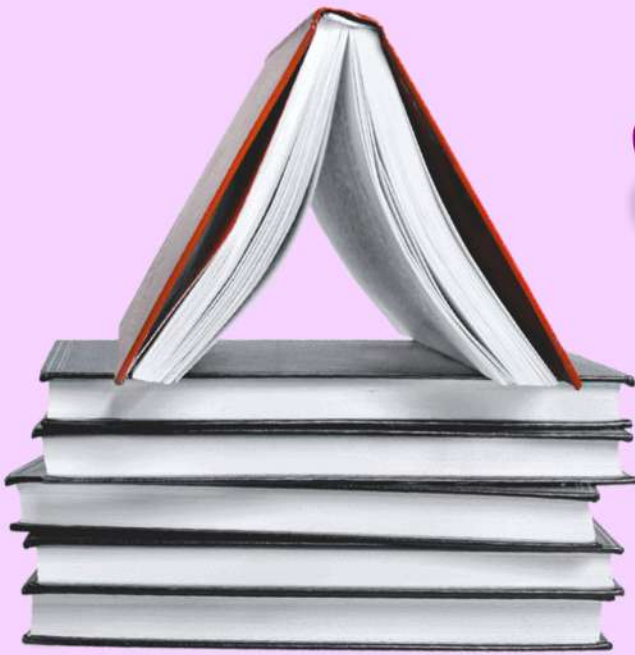


عکاس: حسین آبادی * چهارشنبه ها

گزارش صندوق قرض الحسنه مدرسه نورالزهرا (س)
صندوق قرض الحسنه نورالزهرا (س) از تاریخ ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ الی ۱۴۰۱/۰۳/۳۱ به ۶ نفر از متقاضیان اعم از طلاب و اساتید وام به مبلغ (۲۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال) بیست و چهار میلیون تومان اعطا نمود.

شیرین حسین آبادی

معرفی کتاب



جهاد تبیین (۲) در شرایط تهاجم ترکیبی دشمن

نویسنده: سیامک باقری چوکامی

ناشر: زمزم هدایت

چاپ: دوم / ۱۴۰۱

تهیه کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) نمایندگی ولی فقیه در سپاه

کتاب حاضر در ۸۷ صفحه و در قالب شش محور تنظیم شده است. تاریخ گواه است که جنگ در ابعاد مختلف همیشه بین حق و باطل وجود داشته و کمی و کیفیت این منازعه نیز به تناسب پیشرفت بشر همواره دستخوش تحول بوده است.

در قرن بیست و یکم با شکل جدیدی از جنگ رو به رو هستیم که در ادبیات نظامی به نام جنگ هیبریدی یا ترکیبی معروف است. به تدریج این اصطلاح از رویدادهای نظامی فراتر رفت و به هر راهبردی اطلاق شد که طرفین تخاصم به منظور پیشبرد اهداف خویش از آن استفاده می کنند.

در این معنای جدید، جنگ یا تهدید ترکیبی، پدیده بسیار گسترده ای از مبارزات و منازعات است که از میدان نبرد فیزیکی تا فشارهای اقتصادی نظیر تحریم های یک جانبه و بین المللی و دیپلماسی اجبار تا وجوه گوناگون جنگ سایبری، دیپلماسی عمومی، جنگ نرم اعم از جنگ روانی، جنگ شناختی، تهاجم فرهنگی و... در برمی برد و تمامی این حوزه های متفاوت را به صورت هم افزا در یک پیکره واحد قرار می دهد.

چنانکه رهبر معظم انقلاب (دامه ظلّه) فرمودند: که دشمنان ما، امروز به یک تهاجم ترکیبی دست زده است، تهاجمی که ترکیبی از بازیگران خرد و کلان و دولتی و غیر دولتی را در برمی گیرد و به صورت جبهه ای و دسته جمعی از طریق به کارگیری هوشمندانه همه منابع قدرت سخت، نیمه سخت و نرم ابزارها، شیوه ها، تکنیک و تاکتیک های نرم و سخت، تمام هدف های راهبردی نظام در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی و... را همزمان مورد تهاجم قرار داده است.

جهاد تبیین را زمانی می توان بهتر درک کرد و عمل نمود که تهاجم ترکیبی دشمن به درستی شناخته شود. لذا در کتاب حاضر ابتدا شرحی بر تهاجم ترکیبی و سپس در جمع بندی به نحوه جهاد تبیین اشاره کرده است. در ادامه نویسنده به ابزارها و سلاح های مهاجمان که شامل رسانه های محور غربی، عبری، عربی، ضد انقلاب می شود را مورد بررسی قرار داده است.

نویسنده ریشه دشمنی در جنگ ترکیبی را در اسلام ناب، مستقل و قوی دانسته و بیان آنچه در گذشته اتفاق افتاده و آنچه امروزه به آن دست یافته ایم بسیار مهم می باشد.

در انتها جهاد تبیین بیانگر مطالبی واقعی از وقوع انقلاب و ریشه های دشمنی می باشد.

کتاب: دولت جوان حزب اللهی
 بررسی مفهوم و ویژگی‌های دولت جوان حزب اللهی در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای
 (مد ظله العالی)
 ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
 تعداد صفحات: ۱۸۸
 سال انتشار: ۱۴۰۰

جدیدترین اثر انتشارات انقلاب اسلامی با نام «بررسی مفهوم و ویژگی‌های دولت جوان حزب اللهی در بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)» در دو نسخه مکتوب و الکترونیکی منتشر شد. پس از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) درباره‌ی موضوع «دولت جوان حزب اللهی» و طرح این مسأله از سوی ایشان به عنوان راه علاج و نسخه‌ی برون رفت از مشکلات موجود در کشور، این مفهوم به عنوان یکی از پربسامدترین مفاهیم مطرح شده از طرف ایشان در میان جامعه نخبگان و عموم مردم شناخته شد و بر این اساس تشریح و تبیین این دیدگاه برای عموم مخاطبان یکی از ضروری و لازم ترین اقدامات به نظر می‌رسد. کتاب دولت جوان حزب اللهی که به همت معاونت پژوهش و آموزش مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی به رشته تحریر در آمده، با بهره‌گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) به بررسی مفهوم و ویژگی‌های دولت جوان حزب اللهی از منظر معظم له پرداخته است. این کتاب در مجموع شامل ۴ فصل می باشد که در فصل اول آن به بررسی مفاهیمی همچون دولت، دولت اسلامی، جایگاه ویژه دولت در نظام اسلامی، ویژگی‌ها و اوصاف کارگزاران دولت اسلامی پرداخته شده است. در فصل دوم این کتاب با معنانشناسی واژه‌ی «جوان» موضوعاتی همچون اهمیت جوان‌گرایی و ویژگی‌های جوانان مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در فصل سوم نیز با تبیین مفهوم «حزب الله» و بیان وظایف و شاخص‌های آن به ضرورت استفاده از نیروهای حزب اللهی در دولت اشاره شده و در نهایت در فصل پایانی این اثر ضرورت و کارآمدی دولت جوان حزب اللهی از دیدگاه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) مورد بررسی قرار گرفته است. این اثر توسط انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) در ۱۸۸ صفحه تنظیم و روانه‌ی بازار نشر گردیده است. همچنین در راستای استفاده‌ی عموم مخاطبان در سراسر کشور نسخه الکترونیکی این اثر از سایت انتشارات انقلاب اسلامی در دسترس است.



فاطمه امینیان



چگونه لذت از مطالعه را تجربه کنیم؟

از سر اجبار مطالعه نکنید

به یاد داشته باشید که لازم نیست شما هر کتابی را مطالعه کنید. یکی از مهم ترین دلایلی که ما لذت از مطالعه را تجربه نمی‌کنیم، این است که به زور مطالعه می‌کنیم. خیلی از اوقات پیش می‌آید که ما یک کتابی را خریده و شروع به مطالعه آن می‌کنیم. اما بعد از خواندن چند صفحه احساس می‌کنیم که واقعا برای ما جذاب نیست و یا اینکه به درد ما نمی‌خورد. به این منظور هر گاه احساس کردید که مطالعه آن کتاب برایتان جذاب یا مفید نیست، به راحتی آن را کنار گذاشته و به دنبال یک کتاب بهتر بروید. برای جلوگیری از اتلاف وقت، می‌توانید با سرچ در گوگل با بهترین کتاب‌ها در حوزه مورد علاقه تان آشنا شوید. با انجام این کار احتمال کمتری برای کنار گذاشتن آن وجود دارد به این دلیل که شما می‌دانید این کتاب را یکی از معروف ترین نویسندگان در جهان نوشته است.

به چه موضوعاتی علاقه دارید؟

بدیهی است که همه ما جذب موضوعات و حوزه‌هایی می‌شویم که برای ما جذاب هستند. گمون نکنم بتوان شخصی را پیدا کرد که به همه حوزه‌ها به یک میزان علاقه داشته باشد. به عنوان مثال یکی از دروس مورد علاقه من در دبیرستان، ریاضی بوده است. اما همیشه از درس‌هایی مثل عربی یا تاریخ فراری بوده ام. چه قدر خوب می‌شود که هر فردی علاقه خود را کشف کرده و در مورد آن به مطالعه بپردازد. اگر به یک موضوعی علاقه داشته باشید به طور خودکار لذت از مطالعه را تجربه خواهید کرد. در ضمن نباید از قدرت تمرکز نیز غافل شوید. به این دلیل که حواس پرتی حتی هنگام مطالعه کتاب مورد علاقه تان نیز به سراغ شما خواهد آمد.

به اهمیت مطالعه توجه داشته باشید

لازم به ذکر است که همیشه مبحث علاقه نباید ملاک ما برای مطالعه باشد. شرایطی وجود دارد که ما باید مطالعه کنیم، حتی اگر عاشق آن موضوع یا کتاب نباشیم. همانطور که براتون مثال زدم، من از درس ریاضی خوشم می‌ومد ولی از عربی نه. اما من برای قبول شدن در امتحانات باید به این دو درس مسلط می‌شدم. اگر به موضوعی علاقه ندارید سعی کنید دلایل اهمیت آن را به خود یادآوری کنید. اگر به زندگی افراد موفق دقت داشته باشید، از توجه آن‌ها به مطالعه آگاه خواهید شد. در حقیقت در دنیای امروزه مطالعه نه تنها یک انتخاب بلکه یک باید برای رسیدن به موفقیت است. جمله معروفی در مورد اهمیت کتابخوانی وجود دارد که می‌گوید:

مسئله این نیست که خرید کتاب چقدر گرون تموم میشه، مسئله اینه که اگر کتاب نخونی چقدر برات گرون تموم میشه...!

ادامه دارد...



حکایت هلال که بنده مخلص و صاحب بصیرت و بی تقلید خدا بود



هلال یکی از یاران پیامبر (ص)، در بیتِ خواجه ای به کارِ ستوربانی و تیمارداشتِ چهارپایان مشغول بود. اما خواجه از حقیقتِ حالِ او خبر نداشت. تا اینکه هلال بیمار می شود و نه روز در اصطبل، رنجور و بیمار می افتد و کسی هم از این امر مطلع نمی شود. حتی خواجه نیز نمی داند او بیمار شده است. تا اینکه پیامبر (ص) از طریق وحی بر این امر وقوف می یابد و برای عیادت او شتابان راهی بیتِ خواجه می شود. همینکه خواجه می شنود که پیامبر (ص) به سوی خانه او می آید بغایت شادمان می شود و به استقبال نبی کریم می رود. ولی آن حضرت با لحنی عتاب آمیز بدو می گوید: من به دیدار تو نیامده ام. هلال را می خواهم ببینم و از احوالش جويا شوم. خواجه گفت: من از او خبر ندارم چون منزل و مأوایش اصطبل است. پیامبر (ص) با شوق تمام به اصطبل درآمد و از رایحه دلنوازش، هلال جان تازه گرفت و خود را به پای رسول الله (ص) افکند و آن حضرت وی را غرق بوسه نمود.

حکایات دفتر ششم مثنوی معنوی
سمیه اکبری

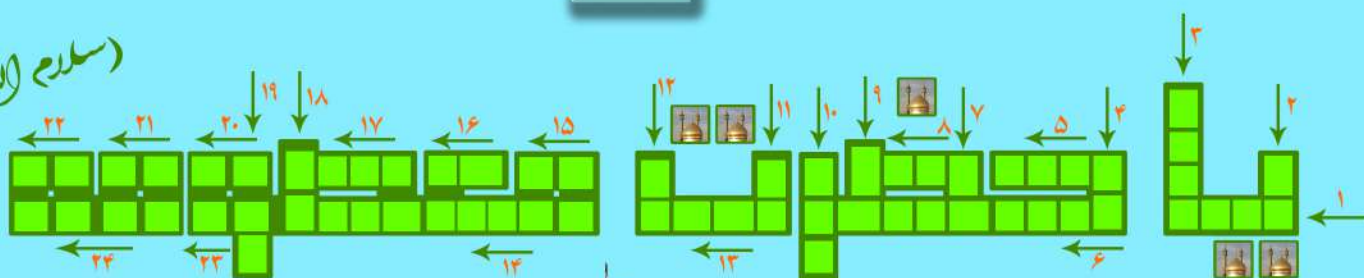




مجلس قرآنی



(سلام الله علیها)



۱۳/ غذای صبحانه

۱۴/ شهید ۳۱ خرداد

۱۵/ خیس یواش

۱۶/ ناشنوا

۱۷/ بحر

۱۸/ یک لحظه

۱۹/ مردم

۲۰/ ماده نیست

۲۱/ خیر نیست

۲۲/ حرف اضافه همه گیر

۲۳/ مایه ی حیات

۲۴/ سوره ای که به حضرت زهرا سلام الله اشاره دارد

۱/ چیره دست

۲/ زیاد نیست

۳/ سرزمین

۴/ لیل

۵/ نانوا را گویند

۶/ داروی گیاهی آرام بخش

۷/ راست نیست

۸/ بیابان

۹/ کربلای تهران

۱۰/ روزگار

۱۱/ صورت

۱۲/ زیبایی جنگل در غروب



طراح جدول: فاطمه سادات مرادی

يا محمد بن عبد الله
خير خلق الله



سَلَامٌ عَلَيْهَا

فاطمه محصوه

